

### قرآن و حضرت مهدی (عج)<sup>۱</sup>

یکی از موضوعات قرآنی که خداوند متعال به آن اشاره فرموده است، مسأله حضرت مهدی (عج) و قیام آن حضرت می باشد. باید گفت؛ لازم نیست هر موضوع صحیحی با تمام خصوصیات و مشخصاتش در قرآن کریم وارد شده باشد.

چه بسیار جزئیات صحیح و درستی که آن کتاب آسمانی اصلاً متعرض آن نشده است و ثانیاً؛ آیاتی چند در آن کتاب مقدس وجود دارد که روزی را برای جهان نوید می دهد که حق پرستان و حزب خدا پرستان و طرفداران دین و مردم شایسته جهان، قدرت و حکومت زمین را قبضه ی نمایند و دین اسلام بر تمام ادیان غالب می گردد.

#### از باب نمونه

۱- در سوره انبیاء آیه ۱۰۵ می فرماید:

و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون

ما بعد از آنکه در تورات نوشته بودیم در زبور نوشتیم که بندگان شایسته من وارث زمین می شوند.

۲- در سوره نور آیه ۵۵ می فرماید:

۱- سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سید محمد رضا طباطبایی نسب - صفحه ۱۳ .

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده اند و عمل شایسته انجام داده اند، وعده داده که آنان را خلیفه زمین گرداند، چنان که گذشتگانشان را نیز قبلاً خلیفه گردانیده بود و دینی را که برایشان پسندیده است، استوار و نیرومند گرداند و ترسشان را به ایمنی تبدیل کند تا مرا عبادت کنند و چیزی را شریک قرار ندهند.

۳- در سوره قصص آیه ۴ می فرماید:

و نرید ان نممن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین.  
ما اراده کرده ایم که به ضعیفان زمین منت نهاده، و آنها را پیشوایان و وارثان زمین گردانیم.

۴- در سوره توبه آیه ۳۳ می فرماید:

هوالذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الذین کله و لو کره المشرکون.  
او خدایی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا بر تمام ادیان غالب گردد، اگرچه مشرکین آن را مکروه داشته باشند.

از این آیات شریفه اجمالاً استفاده می شود که: دنیا روزی را در پیش دارد که قدرت و اداره زمین به دست مؤمنین و رجال شایسته افتاده، پیشوا و پیشرو تمدنهای بشری می گردند و دین اسلام بر تمام ادیان غالب می شود و یکتاپرستی جایگزین شرک می گردد.

آن عصر درخشان؛ همان روز نهضت مصلح یبی و منجی بشریت و مهدی موعودی می‌باشد و آن انقلاب جهانگیر و همه جانبه توسط مسلمین شایسته انجام می‌یابد. عمره از سوی آن حضرت و ... نیز از کارهایی است که منتظران عاشق و فراوان انجام می‌دهند.

### امام مهدی(ع) در قرآن<sup>۱</sup>

« و لقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون »

ما در زبور داود، از پس ذکر(تورات)، نوشته ایم که سرانجام، زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند(و بر کره زمین حاکم می‌شوند)

طبق فرموده پیشوای پنجم حضرت امام محمد باقر(ع)، این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند. اصحاب مهدی(ع) هستند، در آخرالزمان.

۱- امام مهدی و آینده زندگی - گردآوری مهدی حکیمی- صفحه ۱۲ .

## فصل دوم

نقش مردم و اراده انسانهای منتظر و  
مؤمن در زمینه سازی ظهور

## ویژگیهای یاران حضرت مهدی(ع) از نگاه قرآن

در قرآن مجید این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران حضرت مهدی(عج) یک آیه است که بسیار امید بخش و سازنده است این آیه در حقیقت بیانگر حقایق و واقعتهایی است که اگر به طور جدی و همه جانبه تعیب گردد، موانع سر راه را بر می دارد و جهان را به استقبال مصلح جهانی حرکت می دهد.

در سوره مائده آیه ۵۹ خداوند بطور مستقیم مؤمنان را مورد خطاب قرار داده و می فرماید:

ای مؤمنان هرکس از شما مرتد شد و از اسلام بیرون رفت! خداوند در آینده جمعیتی را می آورد که دارای پنج امتیاز هستند.

۱- هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند؛

۲- در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند؛

۳- در بابر مشرکان و دشمنان- سرسخت و نیرومندند.

۴- بطور پی گیر در راه خدا جهاد و تلاش می کنند؛

۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای می هراسند؛ این فضل خدا

است که به هر کسی بخواهد( و شایسته ببیند) ی دهد ضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.

### نکاتی پیرامون ۳۱۳ یار مخصوص حضرت مهدی (عج)<sup>۱</sup>

پیرامون ۳۱۳ یار مخصوص و ویژه امام زمان به دو نکته مهم اشاره می‌نماییم:

۱- تواتر حدیث ۳۱۳ نفر: در همه جا معروف است و در کتاب‌های مربوط به امام زمان (عج) نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت ۳۱۳ نفر یاران مخصوصش به او می‌پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده همراه امام (ع) هستند و این حدیث ۳۱۳ نفر در کتب معروف مانند بحارالانوار و اثبات الهداه و منتخب الاثر ... آمده است.

۲- ویژگیهای مخصوص یاران خالص یعنی ۳۱۳ نفر از دیدگاه روایات:

هنگام ظهور امام قائم (ع) آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه برود و تکیه بر کعبه کند و صدای دل‌آرای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در مکانی به نام ذی طوی در انتظار ۳۱۳ نفر از یاران خاصش توقف می‌کند تا اینکه آنها می‌آیند و به آن حضرت می‌پیوندند ... و از آنجا همراه امام به کنار کعبه می‌روند ...

ب) ۳۱۳ نفر از ازراف جهان جمع می‌شوند

امام باقر (ع) می‌فرماید:

خداوند برای حضرت قائم (عج) از دورترین شهرها به تعداد جنگاوران جنگ بدر،

۱- سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سید محمد رضا طباطبایی نسب - صفحه ۸۸ .

۳۱۳ مرد را جمع می‌کند.

ج) ۳۱۳ نفر نخستین بیعت کنندگان با امام قائم (عج) هستند.

هنگام ظهور نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین (ع) با امام قائم (عج) بیعت

می‌کنند. همین ۳۱۳ نفر هستند و این مطلب در احادیث آمده است. البته باید توجه

داشت که در آغاز ظهور یاران امام زمان ۳۱۳ نفرند و گرنه بطور سریه بر یاران آن

حضرت افزوده می‌شود. بطوری که در همان آغاز به ۱۰۰۰۰ نفر می‌رسند.

د) ۳۱۳ نفر جانبازان سلحشورند

امام سجاد (ع) می‌فرماید:

این ۳۱۳ نفر در حدی از ایثار و جانبازی و شجاعت و سلحشوری هستند که دشمنان

قائم جمع می‌شوند تا آن حضرت را به قتل برساند، همین ۱۱۳ نفر با دفاع قهرمانانه در

راه آن حضرت دشمنان را دفع می‌کنند.

ه) ۳۱۳ نفر پرچمداران و حاکمان روی زمین هستند

امام صادق (ع) فرمود:

گویا امام قائم (عج) را در بالای منبر کوفه می‌نگرم که یارانش ۳۱۳ نفر مرد، به تعداد

جنگاوران مسلمانان جنگ بدر- اطرافش را گرفته اند این یاران پرچمداران و حاکمان

بر مردم در زمین از جانب خداوند هستند.



و) ۳۱۳ نفر امت معدوده و همچون پاره‌های ابرهای متراکم هستند

در قرآن می‌خوانیم - هر جا که باشید، خداوند همه شما را حاضر می‌کند - در تفسیر این

آیه شریفه ام باقر(ع) می‌فرماید:

منظور یاران قائم (عج) اند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امت معدوده که(در

سوره هود آمده) آنها هستند. به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می‌شوند،

همچون پاره‌های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می‌گردد.

ز) ۳۱۳ نفر رکنها و پایه‌های خلل ناپذیر و پشتیبانان محکمند

امام صادق در تفسیر آیه ۸۰ سوره هود که در آن آمده، حضرت لوط به قوم سرکش و

تبهکار خود گفت، «اوان لی بکم قوه او اودی الی رکن شدید» فرمود.

منظور از قوه همان قائم(عج) است و منظور از رکن شدید(پشتیبانان محکم) ۳۱۳ نفر

از یاران هستند.

ح) امام باقر(ع) فرمود:

امام قائم(عج) دارای ۳۱۳ نفر یاور است که این افراد از عجم هستند، برخی از آنها در

روز بر روی ابر سوار شده و راه می‌روند و به نام و اوصاف و نسب معروفند.

ط) دست خدا باای سر حضرت مهدی(عج) و یارانش است.

این مطلب از آیه شریفه «ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» استفاده می‌شود.

ی) ۵۰ نفر از ۳۱۳ نفر یار مخصوص امام زمان (عج) از زنان هستند.

امام باقر(ع) می‌فرماید: سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می‌آیند که در میانشان ۵۰

نفر زن هستند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است.<sup>۱</sup>

## وظایف شیعه در عصر انتظار<sup>۲</sup>

### ۱- پاسداشت اندیشه‌ها

تار و پود جامعه و حکومت دینی را اعتقادات آسمانی تشکیل می‌دهد که از سوی

خداوند به وسیله وحی در اختیار بشر قرار گرفته است. حفظ و حراست این دستاورد

گرانقدر و بی نظیر در هر زمانی لازم و ضروری است و در زمان فیت حجت خدا

ضرورتش دو چندان می‌شود؛ چرا که وظیفه ظاهری آن حضرت نیز به علت غیبت بر

دوش امت قرار دارد. از این رو، التزام فکری و عملی به اعتقادات ناب و حیاتی، تبلیغ

و ترویج آن از راه‌های مشروع و اصولی، دعوت مردم دنیا به سوی آنها، انتقال آن به

نسل‌های جدید و حراست و مرزبانی از همه حدود و ثغور عقیده ناب اسلامی،

نخستین و ضروری‌ترین وظیفه هر منتظر واقعی در عصر انتظار است. در قرآن مجید

می‌خوانیم:

۱- سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سیدمحمد رضا طباطبایی نسب .  
 ۲- نهضت انتظار و انقلاب اسلامی (۳) - تألیف علی اصغر الهامی‌نیا -  
 صفحه ۳۴ .

یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون (آل عمران ۲۰۰)  
 ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و  
 از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

مرزبانی، در این آیه، فراتر از مرزبانی فیزیکی ممالک اسلامی است و شامل همه  
 مرزهای فکری و عقیدتی و مانند آن می‌شود، چنانکه علامه طباطبایی در تفسیر طولانی  
 این آیه به آن اشاره کرده است.

امام باقر(ع) در روایتی، آیه یاد شده را به ارتباط با حضرت مهدی(ع) تفسیر کرده و  
 فرموده است:

اصبروا عی اداء و الفرائض و صابروا عدوکم و رابطوا امامکم المنتظر  
 در انجام واجبات شکیبایی ورزید و در بابر دشمنان پایداری کنید و با امام موعود  
 خویش رابطه داشته باشید.

و این رابطه می‌تواند هم عقیدتی و فکری باشد و هم رابطه ظاهری اگر میسر شود - که  
 آن هم بی ارتباط با اندیشه و اعتقاد نمی‌تواند باشد.

نکته جالب تر اینکه، امام زمان(عج) در نامه‌ای که برای شیخ مفید صادر فرمودند،  
 خود را «مرابط فی سیله» یعنی مرزبان راه خدا نامیده است و این مطلب علاوه بر تأیید

مدعای بالا، گویای هشیاری و سنگربانی پنهانی امام از مرزهای عقاید و معارف اسلامی است که وظیفه هر منتظر، از جمله امام موعود می باشد.

## ۲- هوشیاری انقلابی

جامعه شیعه تا تشکیل حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) در حال نهضت و انقلاب است و هیچ حاکمی را جز آنکه خدا معرفی کرده به رسمیت نمی شناسد. به همین دلیل نیز در طول تاریخ، لبه تز حملات حاکمان ستمگر متوجه امامان و شیعیان بوده است و آنان در سیاهچالها و بر سر دارها و زیر انواع شکنجه ها جان دادند، ولی از چنین عقیده دست نکشیدند. امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل می کنند:

گروهی در آینده خواهند آمد که هر یک از آنان پنجاه برابر شما [ارزش و] پاداش دارد! اصحاب گفتند: آیا ما در رکاب شما در جنگ بدر، احد و حنین نجنگیدیم و قرآن در زمان ما نازل نشد؟ فرمود: چرا ولی آن گونه که آنان تحمل می کنند و استقامت می ورزند، شما چنین طاقتی ندارید!

این صبر و طاقت، از ایمان محکم آنان سرچشمه می گیرد. چنان که رشید هجری - که خود از قربانیان دار و دسته معاویه است - در پاسخ دخترش که از او چنین تجلی کرد؛ «پدر تو چقدر تلاش و کوشش می کنی؟» گفت: «دخترم پس از ما مردمی بیایند که بینش

و بصیرت دینی آنان به مراتب از تلاش و کوشش گذشتگان برتر باشد!»  
 وظیفه منتظران حفظ چنین روحیه و مقابله‌ی با حاکمان طاغوتی و مهدی‌های قلابی و بدلی است که هر از چندگاه با تحریک دشمنان اسلام یا دنیاخواهی در گوشه و کنار جهان ادعای مهدویت می‌کنند و افراد ساده لوحی نیز گرد آنان حلقه می‌زنند. شناسایی و افشای ماهیت پلید این ناکسان نیز بخشی از هشیاری انقلابی منتظران واقعی است.

### ۳- آراستگی اخلاقی

بنابر اعتقاد صحیح تشیع، امام معصوم باید همه کمالات انسانی را در حد اعلا دارا باشد و از هرگونه کژی و پلشتی منزّه باشد؛

ان ذکرالخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه و ماویه و منتهاه.

هرگاه از نیکی یاد شود [ اهل بیت] اول و اصل و فرع و منبع و پناهگاه و نهایت خوبی هستید!

و قطعاً حضرت مهدی(ع) مکارم اخلاقی و کمالات انسانی را در حکومت خویش ترویج خواهد کرد و فساد و تباهی را ریشه کن خواهد نمود. پس طبیعی است که منتظران این امام و آن حکومت، خود به زیبایی‌های اخلاقی آراسته و از زشتی‌های اخلاقی پیراسته باشند تا بهتر و سریع‌تر به منبع نیکی و کمال نزدیک شوند. امام

صادق علیه السلام آنان را چنین سفارش می‌کند؛

هرکس دوست دارد از یاران مهدی(ع) باشد، باید انتظار بکشد و به تقوا و اخلاق نیک آراسته گردد؛ چنین کسی منتظر [واقعی] است و اگر پیش از ظهور از دنیا برود پاداش کسی را دارد کخ هدی را همراهی کرده است. پس (در دینداری و آراستگی اخلاقی) کوشا باشید و انتظار کشید و چنین حالتی گوارایتان بادای گروهی که مشمول رحمت الهی هستید!

#### ۴-اصلاحات عمومی

به گفته یکی از نویسندگان، «خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می‌برد، باید خود «صالح» باشد»؛ زیرا میان منتظر و موعود باید تشابه و سنخیت باشد و چون حضرت مهدی مصلح کل جهان و بشر است و یاران و کارگزارانش را از میان همین مردم انتخاب می‌کند، منتظران و امیدواران دولت او باید تا آنجا که از دستشان بر می‌آید، همان کارهایی را انجام دهند که با است مصلح نهایی در سطح جهان انجام دهد. چنین وظیفه‌ای را علاوه بر انتظار، امر به معروف و نهی از منکر نیز بر عهده همگان نهاده است.

## ۵- آمادگی رزمی

از روایات زمان ظهور بر می آید که عده‌ای نابخرد در برابر حضرت مهدی(ع) دست به سلاح برده به مقابله بر می‌خیزند. آن حضرت نیز دست کم با لشکری به ظرفیت ده هزار نفر قیامش را آغاز می‌کند. پس منتظران واقعی باید، همه فنون جنگی و آمادگی نظامی را فرا گیرند تا بتوانند در موارد لزوم از رهبری الهی دفاع کنند، حتی از خدا بخواهند که اگر پیش از ظهور از دنیا رفتند، خداوند آنها را در حالی از خدا بخواهند که اگر پیش از ظهور از دنیا رفتند، خداوند آنها را در حالی که کفن به تن دارند، مسلح و آماده از قبر بر انگیزد تا به یاری رهبر محبوب بشتابند.

موضوع آمادگی رزی علاوه بر اینکه مشمول عام آیه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه...» هست، مورد تأکید خاص معصومین(ع) نیز قرار گرفته و حضرت صادق علیه السلام فرموده است:

هریک از شما باید برای قیام مهدی(ع) اسلحه تهیه کند گرچه یک نیزه(یا تیر) باشد و اگر خداوند ببند که کسی چنین قصدی دارد، امید است عمر او را دراز کند تا مهدی(ع) را دریابر و از یاران او شود.

عشق و محبت فراوان به آن امام همام، برقراری ارتباط معنوی و حتی ظاهری با ایشان، در صبح و شام به یادشان بودن، دعا برای سلامتی و فرج، دادن صدقه و انجام حج و

عمره از سوی آن حضرت و ... نیز از کارهایی است که منتظران عاشق و فراوان انجام می دهند.

### بهترین اعمال<sup>۱</sup>

«بهترین اعمال امت من، انتظار فرج پروردگار است.»

این، سخن رسول خدا می باشد که علمای شیعه برای مردم باز می گویند.

روزگار غیبت طولانی اما دوازدهم، صدها سال است که به درازا کشیده شده است، و

شاید صدها سال دیگر نیز، طول بکشد. در چنین سالهایی، انتظار فرج پروردگار را

کشیدن، کاری سخت و پر طاقت بوده و پاداشی عظیم را در پی دارد.

اما زین العابدین(ع) درباره مردم این روزگار، اعلام داشته است:

«مردم زمان او - امام غایب - از مردم تمامی زمانها برتر هستند؛ زیرا خداوند، عقل و

فهمی به آنها داده که غیبت در نزدشان، حکم مشاهده را دارد.

خداوند، این مردم را مثل کسانی می داند که با شمشیر در پیش چشم پیامبر(ص) و در

مقابل دشمنان پیکار کرده اند. آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که

مردم را به طور آشکار و پنهان، به دین خدا می خوانند.



مردم روزگار غیبت طولانی، کاری دشوار را پیش روی دارند و دین خویش را به دشواری حفظ می‌کنند. رسول خدا درباره آنان می‌فرماید: «ثابت ماندن آنها بر دین خود، از کوتاه کردن شاخه‌های درخت خاردار با دست برهنه در شب ظلمانی، دشوارتر است. آن مردم، حکایت کسی را دارند که پاره‌ای از آتش گداخته و مشتعل را در دست خویش نگه داشته اند.»

۱۱ صادق(ع)، مردم روزگار غیبت را چنین توصیف می‌کند؛ او کسی است که بعد از دورانی طاقت فرسا و بلا و ظلم طولانی، شیعیان خود را از غم نجات می‌دهد. پس خوشا بر کسانی که آن روزگار را درک کنند!

اما شیعیان!

چه گروهی از آنان، قیام امام (عج) را شاهد خواهند بود؟

اما رضا(ع) در این باره خبر داده است: «آنچه شما چشمهای خود را به سویش دوخته اید- ظهور امام دوازدهم- واقع نخواهد شد، تا اینکه پاسکازی و جداسازی شوید؛ تا اینکه نماند از شما هر چه کمتر و کمتر.»

امام باقر(ع) نیز چنین سخنی را قبل از این، بیان داشته است:

شا در مورد چه چیز سخن می‌گویید!

هیئات! هیئات!

آنچه گردنهای خود را به سویش می کشید، واقع نخواهد شد؛ تا اینکه پاکسازی شوید.  
 آنچه انتظارش را می برید، واقع نمی گردد؛ تا اینکه باز شناخته شده و از همدیگر جدا  
 شوید.

آن روز- روز ظهور- فرا نمی رسد، تا اینکه شما غربال گردید!

آنچه منتظرش هستید، روی نخواهد داد؛ مگر پس از نومییدی!

امیرالمؤمنین علی(ع)، برای مردم زمان ظهور اما دوازدهم، مثالی می زند: «مردی ست که  
 دارای مقداری گندم می باشد. او پس ز اینکه گندم را پاک کرده است، آن را در خانه  
 اش رها می سازد.

وقتی به گندم خویش باز می گردد، ناگهان می بیند که در آن کرم افتاده است. پس آن را  
 پاک کرده و دوباره در خانه انبار می سازد. مدتی می گذرد. وقتی او باز به سوی گندم  
 بر می گردد، مقداری از آن را کرم زده می یابد؛ پس دوباره آن را از انبار بیرون آورده و  
 پاکسازی می کند.

این کار، پیوسته تکرار می شود.

زمانی فرا می رسد که از آن همه گندم، تنها یک دسته خوشه گندم باقی می ماند که کرم  
 نتوانسته است هیچ آسیبی به آن برساند. شما نیز، پیوسته در آسیب فتنه ها قرار داشته و  
 پاکسازی می شوید؛ تا اینکه باقی نماند از شما، مگر جماعتی که فتنه ها نمی تواند

آسیبشان رسامد.

شیعیان بیدار دل و معتقد به امام زمان (عج)، که مشتاقان زیارت مولای خویش هستند،

در روزگار غیبت طولانی، می‌توانند دل‌ها را شاد سازند!

چگونه؟!

علمای شیعه، احادیث و روایات فراوانی را نقل می‌کنند، که همگی نشان از آگاهی اما

زمان (عج)، بر اعمال و افکار آنها دارد:

یکی از شاگردان امام صادق (ع) ابتدا، آیه ۱۰۵ سوره توبه را مطرح کرده بود.

«درستکار باشید که خدا و رسولش و مؤمنین، کردار شما را می‌بینند.»

سپس ز امام پرسیده بود:

«مؤمنین، در این آیه چه کسانی هستند؟»

امام صادق (ع) پاسخ داده بود:

«مؤمنین، ائمه می‌باشند.»

اما مهدی (عج) که ناظر و شاهد اعمال و افکار شیعیان است، از رفتار ناشایسته آنها

اندوهگین شده و با نیکوکاری ایشان، شادمان می‌گردد.

پس، آنهایی که بخواهند گرفتار فتنه و آسیب و آفت زندگی دنیا نشوند، با مراقبت از

کار خویش، نه تنها دل امام خود را شاد می‌سازند بلکه می‌توانند از امتحان و آزمایش

الهی، پیروز بیرون آیند.

آنهایی که از غربال امتحان و آزمایش پروردگار، سر بلند بیرون می آیند، همراه دیگر مردم، سختی و فشار طاقت فرسایی را تحمل خواهند کرد؛ اما سرانجام، سعادت و پیروزی، از آن مردم خواهد بود. پیامبر درباره این روزگار، فرموده است:

در آخر زمان، به امت من از سوی فرمانروایان ستمکار و بیدادگر، گرفتاریها و بلاهای سختی فرود می آید؛ بلاهایی که سهمگین تر و سخت تر از آن، شنیده نشده است. به گونه ای بر مردم فشار می آید که زمین با تمام گستردگی و وسعت خودش، برای آنها تنگ می نمایاند، و همه جا از ظلم و ستم، پر می شود.

در این روزگار، انسانها با ایمان، هیچ پناه و پناهگاهی برای خود نمی یابند، که از ظلم ستمگران به آن پناه برند. نگاه است که خداوند بزرگ، مردی از خاندان مرا بر می انگیزد، تا او به یاری خداوند، جهان را پر از عدل و داد می سازد. در حکومت عادلانه او، ساکنان آسمان و زمین، اضی و خشنود بوده و از عدالت و رفته و آسایش حکومتش، برخوردار خواهند شد.

زین، آنچه در دل دارد، به برکت وجود او و حکومت عادلانه اش، همه را بیرون می ریزد و آسمان، باران رحمت خویش را پیاپی خواهد بارید.

## فصل سوم

علمای دین و

انقلاب حضرت مهدی (عج)

## تصریح علمای اسلام

پس از بیان آیات قرآن و تفاسیر مفسرین فریقین و نقل احادیث متواتر از شخص رسول خدا(ص) و ائمه هدی بتصریح علمای فریقین می‌پردازیم:

چون این رشته سر دراز دارد و برای استقضاء یک یا چند جلد کتاب کافی نیست بنظر رسید که فقط کتب علمای اسلام را که در اینمورد بحث و فحص کرده‌اند و ضمناً قسمتی مهم از منابع و مراجع و مدارک ما را تأمین نموده از نظر خوانندگان عزیز بگذرانیم و در حقیقت سررشته را بدست آنها می‌دهیم که اگر فرصت مطالعه و یا عزم بر تتبع و تحقیق نمودند ما کار را برای آنها آسان کرده باشیم و کتبی که در این زمینه نوشته شده تا آنجائی که این بنده بی‌مقدار دسترسی بر آنها داشته و بواسطه یا بلاواسطه اقتباس و اتخاذ سند نموده‌ام از نظر خوانندگان عزیز می‌گذرانیم شاید شمع فروزان راه تاریک نسل آینده گردد.<sup>۱</sup>

۱- ابن حجر هیثمی شافعی متوفی ۹۷۴ در الصواعق المحرقة

۲- سید جمال‌الدین عطاء‌الدین محدث در کتاب روضه‌الاحباب

۳- علی بن محمد بن احمد بن مالکی ملکی معروف بابن صباغ متولد ۷۳۴ متوفی ۸۵۵

۴- شیخ شمس‌الدین ابوامظفر یوسف بن قراوغلی .... این جوزی متوفی ۶۵۴

۱- منتقم حقیقی زندگانی حضرت صاحب الزمان - تألیف حسین عمارزاده - انتشارات محمودی - صفحه ۱۹۵.

۵- نورالدین عبدالرحمن جامی حنفی شاعر معروف در شرح کافیه

۶- شیخ حافظ ابو عبدالله محمد بن یوسف بن محمد الکنجی متوفی سال ۶۵ در کتاب

البيان فی اخبار صاحب الزمان

۷- ابوبکر احمد بن حسین بن علی بن عبدالله موسی بیهقی خسرو جردی نیشابوری فقیه

شافعی متوفی ۴۵۸ در کتاب شعب الایمان المعهود.

۸- شیخ کمال الدین ابوسالم محمد بن طلحه سافعی قرشی تصیبی متولد ۵۸۲ متوفی

۶۵۲ در کتاب الدر المنظوم.

۹- حافظ ابومحمد احمد بن ابراهیم بن هاشم طوسی بلاذری در کتاب مسلسلات

۱۰- قاضی فضل الله روزبهان ابطال نهج البطل در رد كشف الحق و نهج الصدق علامه

حلی

۱۱- ابومحمد عبدالله بن احمد بن محمد بن خشاب متوفی ۵۶۷ در کتاب تاریخ

موالید الأئمه و وفیاتهم.

۱۲- شیخ محی الدین ابو عبدالله محمد بن علی معروف بابن عربی حاتمی طائی اندلسی

متوفی ۶۳۸

۱۳- شیخ سعد الدین محمد بن مؤید بن الحسین بن محمد بن حمویه معروف شیخ

سعد الدین حموی در کتاب احوال صاحب الزمان.

- ۱۴- ابوالموهوب شیخ عبدالوهاب شعرانی متوفی ۹۳۷ در یواقیت.
- ۱۵- شیخ حسن عراقی در لواقح الانوار فی طبقات الاخبار در /: ۶۲
- ۱۶- شیخ علی خراس بنقل کشف الاستار
- ۱۷- یکی از علمای شافعی در قصیده مفصلی که قندوزی در یمابیع الموده ص ۴۷۴ نقل می کرده
- وسائلی عن حب اهل البیت  
هل اسراعلانا بهم ام حجد
- ۱۸- حسین بن معین الدین میبیدی در شرح دیوان امیر (ع) ص ۳۷۱
- ۱۹- حافظ محمد بن بخاری معروف بخواجه پارسا در فصل الخطاب
- ۲۰- حافظ ابوالفتح محمد بن ابی الفوارس در اربعینه
- ۲۱- ابوالمجد عبدالحق دهلوی بخاری متوفی ۱۰۵۲ در کتاب مناقبائمه
- ۲۲- شیخ احمد جامی نامقی بنقل مجالس المؤمنین
- ۲۳- شیخ فریدالدین محمد عطار نیشابوری مقتول ۵۸۹ در کتاب مطهر للصفات
- ۲۴- جلال الدین محمد عارف بلخی رومی مولوی متوفی ۶۷۲ در دیوان شمس
- ۲۵- شیخ عارف صلاح الدین صفدی متوفی ۷۹۴ فی شرح الدایره.
- ۲۶- مولوی علی اکبر بن اسدالله المودی هندی در کتاب المکاشفات.
- ۲۷- شیخ عبدالرحمن صاحب مرآت الاسرار



- ۲۸- استاد شیخ عبدالوهاب شعرانی بنقل ینابیع الموده ص ۴۷۰
- ۲۹- قاضی شهاب الدین شمس الدین دولت آبادی در کتاب بحرالمواج و مناقب السادات متوفی ۸۴۹
- ۳۰- شیخ سلیمان ابراهیم معروف بخواجه کلان قندوزی متوفی ۱۲۹۴ در ینابیع الموده.
- ۳۱- شیخ عامر بن عامر بصری در قصیده تائیه نوات الانوار
- ۳۲- قاضی جواد ساباطی نصرانی در کتاب البراهین الساطعه فی الرد علی النصارى
- ۳۳- شیخ ابوالمعالی صدرالدین قونوی صاحب تفسیر
- ۳۴- قاضی عبدالله بن محمد المطیری بدنی در کتاب ریاض الزهره فی فضل آل بنت النبی و عترته الطاهره.
- ۳۵- شیخ الاسلام ابوالمعالی محمد سراج الدین رفاعی مخزومی در کتاب صحاح الاخبار فی نسب الساده الفاطمیه الاخیار.
- ۳۶- میرخواند در تاریخ روضه الصفا
- ۳۷- نضربن علی جهنمی نصری بنقل شهید و نجم الثاقب حاجی نوری.
- ۳۸- شیخ محمد بن ابراهیم جوینی شافعی متوفی ۱۱۷۶ در فراید المسطین.
- ۳۹- قاضی محقق بهلول بهجت افندی در کتاب المحاکمه فی تاریخ آل محمد.

۴۰- شیخ شمس‌الدین محمد بن یوسف زرنندی در کتاب معراج‌الوصول الی‌معرفة فضیله

آل‌الرسول

۴۱- شمس‌الدین تبریزی شیخ مولوی بنقل کشف‌الاسرار

۴۲- حسین بن همدان حنینی در کتاب الدایه بنقل الزام‌الناصب

۴۳- ابن خلکان در وفيات‌الاعیان

۴۴- ابن‌ارزق در تاریخ خود بنقل ابن‌خلکان

۴۵- مولی‌علی قاری در کتاب مرقاه

۴۶- القطب‌المدار بنقل عبدالرحمن صوفی در کشف‌الاسرار

۴۷- ابن‌وردی در نور‌الابصار

۴۸- سید مؤمن بن حسن شبلنجی در نور‌الابصار

۴۹- شیخ ابوالفور محمد امین بغدادی سویدی در کتاب سبائک‌الذهب فی معرفة قبایل

العرب.

۵۰- شیخ الاسلام ابراهیم بن سعدالدین

۵۱- صدرالائمه ضیاءالدین موفق بن احمد خطیب مالکی خوارزمی معروف بخطیب

۵۲- مولاحسین کاشفی در جواهر‌التفسیر متوفی ۹۰۶

۵۳- سید علی بن شهاب‌الدین همدانی در کتاب الموده فی‌القربی

- ۵۴- شیخ محمدصبان مصری متوفی ۱۲۰۶ در اسعاف الراغبین.
- ۵۵- الناصرلدين الله احمدبن مستضيئ بنورالله خليفه عباسی بنقل الزام الناصب.
- ۵۶- ابوالفلاح عبدالحی بن عمار حنبلی متوفی ۱۰۸۹ در کتاب شذراتالذهب
- ۵۷- شیخ عبدالرحمن محمدبن علی بن احمد بسطامی در کتاب درهالمعارف
- ۵۸- شیخ عبدالکریم یمانئ بنقل ینابیعالموده ص ۴۶۶
- ۵۹- السیدالنسیمئ بنقل کشفالاستار
- ۶۰- عمادالدین حنفئ بنقل کشفالاستار
- ۶۱- شیخ جلالالدین عبدالرحمن ابئ بکر سوطئ در کتاب احیاءالمیت بفضائل اهلالبیت.
- ۶۲- فاضل رشیدالدین دهلوی هندی در کتاب الامام الثانی عشر
- ۶۳- شاه ولی الله دهلوی صاحب تحفه در کتاب النزّه
- ۶۴- شیخ احمد فاورقئ نقشبندی بنقل العبقرئ الحسان .
- ۶۵- ابوالولید محمدبن شحنه حنفئ در روضه الناظر فی الخبر الاوایل و الاواخر

## فصل چهارم

حکومت‌های اسلامی  
و ظهور حضرت مهدی (عج)

### اهل سنت و حضرت مهدی (عج) <sup>۱</sup>

برخی از پژوهندگان اسلامی تعداد روایاتی را که از طریق اهل تسنن در این زمینه وارد شده حدود دویست حدیث تخمین زده اند که در اینجا به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌نماییم:

۱- حدیقه گوید:

رسول خدا(ص) خطبه می‌خواندند و در خلال سخنان، از آنچه در آینده به وقوع خواهد پیوست سخن گفته و فرمودند: اگر از عمر روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی کند که مردی از فرزندانم که هم اسم من است، برانگیخته شود. سلمان عرض کرد: ای رسول خدا از کدام فرزندتان خواهد بود؟ حضرت فرمود: از این فرزندم.

و با دست مبارک ب پشت اما حسین (ع) زدند.

۲- عبدالله بن مسعود گوید:

پیامبر خدا (ع) فرمودند: مهدی موعود از عترت من و از اولاد فاطمه است.

۳- ابوسعید خدری از پیامبر خدا(ع) روایت کرده که فرمودند:

در آخرالزمان بلای سختی از جانب حاکمان بر امت من نازل می‌شود، بلایی که

۱ - سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سیدمحمد رضا طباطبایی نسب - صفحه ۲۱ .

سخت‌تر از آن شنیده نشده است به طوری که زمین فراخ بر آنها تنگ شده پر از جور و ستم می‌شود. مؤمنین پناهگاه و دادرسی از ظلم و ستم می‌شود. مؤمنین پناهگاه و دادرسی از ظلم و ستم نمی‌یابند، پس خدا مردی از خانواده مرا می‌فرستد تا زمین را پر از عدل و قسط کند، چنانکه از ظلم و جور پر شده است. ساکنین آسمان و زمین از او قاضی خواهند بود. زمین تمام گیاهان خود را برایش می‌رویاند و آسمان بارانش را پی در پی فرو می‌فرستند؛ به طوری که مردگان آرزوی زندگی دوباره می‌کنند.

۴- و نیز از آن حضرت روایت شده که فرمودند:

مهدی ما پیشانی بلند و باریک بین است، زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنانکه از ظلم و بیدادگری پر شده است و مدت هفت سال حکومت می‌کند.

۵- و نیز از این عباس روایت شده که پیامبر خدا(ص) فرمودند: مهدی، طاووس اهل بهشت است.

### حضرت مهدی(عج) در منابع شیعه

اخبار و روایات فراوانی از پیامبر اسلام(ص) و ائمه معصومین(ص) درباره تولد، غیبت، ظهور و قیام جهانی و سایر ویژگیهای حضرت مهدی(عج) نقل شده است و در واقع سالها پیش از تولد آن حضرت، خصوصیات و ویژگیهای او از قبیل اینکه: او از

خانندان پیامبر(ص) از فرزندان فاطمه(س) و از نسل حسین(ع) است و با قیام جهانی خویش زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پیشگویی شده است.

در اینجا بی مناسبت نیست یادآوری کنیم، با آنکه عصر هر یک از ائمه و ویژگی‌هایی داشته و توجه آن بزرگواران قاعدتاً معطوف به مسایل و موضوعات حاد روز بوده، اما در عین حال موضوع حضرت مهدی(عج) همواره مورد نظر آنان بوده و به مناسبت‌های گوناگون بیانات و پیشگویی‌های فراوانی نموده اند که در ذیل به عنوان نمونه آماری اجمالی از احادیث که از ائمه در این زمینه رسیده، از نظر خوانندگان محترم می‌گذرانیم.

۱- امیرالمؤمنین(ع)، ۵۱ حدیث

۲- امام حسن(ع) ۵ حدیث

۳- امام حسین(ع)؛ ۱۴ حدیث

۴- امام زین العابدین(ع)؛ ۱۱ حدیث

۵- امام باقر(ع)؛ ۶۳ حدیث

۶- امام صادق(ع)؛ ۱۲۴ حدیث

۷- امام کاظم(ع)؛ ۶ حدیث

۸- امام رضا(ع)؛ ۱۹ حدیث

۹- امام جواد(ع)؛ ۶ حدیث

۱۰- امام هادی(ع)؛ ۶ حدیث

۱۱- امام حسن عسکری(ع)؛ ۲۲ حدیث

به عنوان نمونه به نقل دو حدیث اشاره می‌نماییم.

۱- حضرت علی(ع) می‌فرماید:

پیامبر اسلام(ص) فرمودند: عمر جهان به پایان نمی‌رسد، مگر آنکه مردی از نسل حسین امور امت مرا در دست می‌گیرد و دنیا پر از عدل می‌کند، همچنان که پر از ظلم شده است.

۲- حسین بن علی(ع) می‌فرماید:

اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا آنکه مردی از نسل من قیام می‌کند و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. چنانکه از ظلم و ستم پر شده است.

### حضرت مهدی (عج) در منابع اهل سنت

اعتقاد به وجود حضرت مهدی(ع) و ظهور او اختصاص به مذهب تشیع ندارد بلکه

محدثان بزرگ اهل سنت نیز احادیث مربوط به آن حضرت را از طریق گروه بسیاری



از صحابه و تابعین در کتابهای خویش نقل کرده اند.

بر اساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر اسلام (ع) در کتب خود نقل کرده اند.

تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور اما غایب را در کتابهای خود آورده اند و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی (عج) کتاب نوشته اند.

مسند احمد حنبل (متوفای ۲۴۱ هجری) و صحیح بخاری (متوفای ۲۵۶ هجری) از جمله کتب مشهور اهل سنت است که قبل از تولد اما مهدی (عج) نوشته شده و احادیث مربوط به آن حضرت در آنها نقل شده است.

از جمله احادیثی که احمد حنبل نقل کرده، این حدیث است:

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

اگر از عمر جهان جز یک روز باقی نماند، خداوند حتماً در آن روز شخصی از ما - خاندان - را بر می‌انگیزد و او جهان را پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که پر از ظلم شده است.

بر اساس یک بررسی اجمالی، ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به متواتر بودن احادیث حضرت مهدی (ع) در کتابهای تصریح کرده اند. «علامه شوکانی» در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و ارجال و

المسیح» تألیف کرده است.

بی مناسبت نیست در اینجا به عنوان نمونه سخنان چند تن از مشاهیر علمای ل تسنن را در آن زمینه اشاره نماییم.

۱- شوکانی؛ در کاب یاد شده پس از نقل احادیث مربوط به حضرت مهدی (عج) می گوید:

همه احادیثی که آورده ایم، به حد تواتر می رسد. چنانکه بر مطلعان پوشیده نیست، بنابراین با توج به همه احادیثی که نقل کردیم. سلم شد که احادیث منقول درباره مهدی منتظر متواتر است ...

۲- حافظ؛ ابو عبدالله گنجی شافعی (متوفای ۶۵۸ هـ ق) در کتاب «البیان فی اخبار صاحب الزمان» (باب ۱۱) می گوید:

احادیث پیامبر اکرم (ص) درباره مهدی به دلیل راویان بسیاری که دارد به حد تواتر رسیده ست.

۳- حافظ مشهور؛ ابن حجر عسقلانی شافعی (متوفای ۸۵۲ هـ ق) در کتاب «فتح الباری» که در شرح «صحیح بخاری» نوشته است، می گوید:

احادیث متواتری وجود دارد حاکی از اینکه مهدی از این امت است و عیسی (ع) از آسمان فرود آده و پشت سر وی نماز خواهد خواند.

۴- شیخ محمد صبان می‌نویسد:

اخبار متواتری از پیامبر(ع) نقل شده مبنی بر اینکه مهدی(سرانجام) قیام می‌کند و اینکه او از خاندان پیامبر است و زمین را پر عدل و داد خواهد کرد.

۵- ابن ابی الحدید، یکی از متبع ترین علمای اهل سنت، در این زمینه می‌نویسد:  
تمامی فرق اسلامی اتفاق نظر دارند که عمر دنیا و تکلیف بشر به اجرای احکام الهی، پایان نمی‌پذیرد، مگر پس از ظهور مهدی.

### او را می‌جوئیم<sup>۱</sup>

سرزمین بحرین، گروهی کثیر تر شیعیان را در خود جای داده است. سالهای سال است که پیروان فرقه‌های مختلف اسلامی، با دوستی و برادری، در کنار همدیگر زندگی می‌کنند.

امیر بحرین هرچند که شیعه نیست؛ اما به شیعیان آزادی داده است تا پیرو عقیده خودشان باقی بمانند.

اما مکر شیطان و فریب انسان، همیشه در تلاش است تا بلکه تفرقه ایجاد کرده و از اختلاف مردم به سود خودش بهره جوید.

امیر بحرین، وزیری دارد که از دشمنان سر سخت اهل بیت رسول خدا می باشد و دمی از قصد سوء نیت نسبت به شیعیان غافل نمی ماند.

یکی از روزها، وزیر اناری در دست داشته و نزد امیر می آید. او در حالیکه ملتهب و بر آشفته است، انار را به امیر نشان داده و می گوید:

قربان! این معجزه بزرگ را مشاهده کنید. خوب به پوست این انار نگاه کنید و ببینید بر آن چه چیزی نوشته شده است.

امیر بحرین، انار را گرفته و آن را مقابل چشمهایش بالا می آورد. نوشته ای عجیب، به طور طبیعی بر پوست انار به چشم می خورد:

«لا اله الا الله! محمد رسول الله! ابوبکر و عمر و عثمان و علی خلفاء رسول الله!»

نوشته بر پوست انار با حالتی برجسته وجود دارد و گمان نمی رود که ساخته دست انسان باشد.

امیر در حالیکه می کوشد تا بر شگفتی و حیرت خویش غلبه کند، به وزیر نگاه می کند: او هنوز هم ملتهب و سرخ روی می باشد.

امیر در قیدی که برای نشان دادن سنگینی و متانت رفتار دارد، شادمانی خود را پنهان می سازد. او هر چند که از دیدن این انار معجزه آسا خوشحال است؛ اما چون به وزیر خودش زیاد هم اطمینان ندارد، تصمیم می گیرد تا قضاوتی عجولانه نداشته باشد.

پس می‌پرسد:

-به نظر تو، این نوشته‌ها علامت چیست؟

وزیر در قواره‌ای از حرکت و سخن که سعی دارد بر امیر اثر مثبت گذارد، آهسته قدم

زده و می‌گوید:

-این، دلیل روشن و برهانی محکم است بر باطل بودن عقیده شیعیان.

امیر سر می‌جنباند و می‌گوید:

-تو درباره شیعیان بحرین چه می‌اندیشی؟

وزیر سعی دارد در این لحظات، به خونسردی، جواب امیر را بدهد:

-اینها، گروهی متعصب هستند و هر دلیلی را انکار می‌کنند.

امیر می‌پرسد:

-ببینید با آنها چه کرد؟

-قربان! فرمان صادر کنید که دانشمندان شیعه را حاضر سازند. شما این انار را به آنان

نشان دهید. اگر بپذیرند و به مذهب ما در آیند، ثواب و پاداش بزرگی نصیب شما

خواهد شد ...

امیر به سوی تخت خویش رفته و در نشستن روی آن می‌گوید:

اما آنها هرگز از آیین خویش، باز نخواهند گشت.

وزیر در مقابل امیر ایستاده و دستهایش را روی شکم قلاب می‌کند. بعد با مایه‌ای از خشم در کلام می‌گوید:

-اگر آنها بخواهند در گمراهی خودشان باقی یمانند، در پیش پای ما سه راه وجود خواهد داشت:

آنها باید همانند یهودیان و مسیحیان، خواری و خفت را پذیرفته و جزیه بدهند. راه دوم، این است که دلیلی بر رد این معجزه بیاورند.

و سومین راه این است که شما دستور دهید مردان شیعه را بکشند و زنان و فرزندانشان را اسیر کنند. اموال آنها را هم به غنیمت خواهیم گرفت. دانشمندان شیعه را به حورش فرا خوانند.

وقتی بزرگان شیعه حاضر می‌شوند، امیر با نشان دادن انار به آنها می‌گوید:

-این معجزه‌ای از سوی خداوند است، که دلیل بر حقیقت اندیشه‌ی ما و باطل بودن عقیده شما می‌باشد. شما علمای شیعه! خوب است که در کار خودتان تأمل کرده و عاقبت خویش را تباه نسازید. به راه سعادت و نیکبختی باز آیید. توبه کنید. از آنچه تا کنون در دل داشته‌اید، باز گردید و خود را رستگار سازید....

اما اگر چنین نکنید، باید همچون کفار جزیه پردازید؛ و گرنه شما را کشته و زنان و فرزندانتان را اسیر خواهیم ساخت.

دانشمندان شیعه، مبهوت از مشاهده آن انار عجیب، ساکت باقی مانده و هیچ سخنی نمی‌گویند.

باید حرفی زد. هرچه می‌خواهد باشد. سکوت اینگونه، خطرش بسیار زیاد می‌باشد.

سرانجام، یکی از علکمای شیعه جلو آمده و می‌گوید:

-مهلت می‌خواهیم تا در این کار مشورت کنیم.

امیر می‌گوید:

-موافقم

وزیر که تا کنون ساکت مانده است، خطاب به علمای شیعه می‌گوید:

-بیهوده وقت امیر و خودتان را تلف نکنید. این کاری نیست که نیاز به مشورت داشته

باشد. عالم شیعه می‌گوید:

-یک مهلت سه روزه می‌خواهیم. بدون شک بعد از پایان مهلت، در اختیار شما خواهم

بود.

امیر می‌پذیرد.

علمای شیعه در حالیکه هراسان و متحیر ستند، از نزد امیر بحرین مرخص می‌شوند.

آنها خسته و کوفته از فشار روحی این مجلس، با چشמהایی که رمق آن فروکش کرده

است به همدیگر می‌نگرند و دقایقی در جای خود، آرام و ساکت می‌مانند.

سپس، به خانه‌ای رفته و به مشورت مشغول می‌شوند.

ساعتی که می‌گذرد، سرانجام تصمیم می‌گیرند تا از میان پرهیزکارترین شیعیان، ده نفر را انتخاب کنند.

بعد از انتخاب این ده نفر، آنها از میان خودشان سه نفر را که شایسته‌تر می‌باشند، بر می‌گزینند.

چاره کار از این سه نفر خواسته می‌شود و آنها هستند که باید گره از مشکل شیعیان بگشایند.

آن سه نفر بعد از کمی گفتگو در می‌یابند که باید از پروردگار و حجت او بر زمین، یاری بجویند.

چگونه؟!

قرار بر این می‌شود که هر شب، یک نفر به بیابان رفته و در تاریکی و سکوت بیابان، از امام زمان (عج) کمک بخواهد.

شب اول، یکی از آنها چنین می‌کند؛ اما خبری نمی‌شود.

آن مرد به سوی یاران بازگشته و جریان کار خویش را به آگاهی آنها می‌رساند.

شب دوم، انسان عابد و پرهیزکاری دیگر، به بیابان رفته و مشغول نماز و دعا و مناجات می‌شود؛ اما باز هم خبری نمی‌شود.



شکست برنامه‌ی این دو نفر، علمای شیعه را در اضطراب و پریشانی فرو می‌برد.

اینک، تمام امیدها بر نفر سوم می‌باشد که «محمد بن عیسی بحرینی» نام دارد.

محمدبنعیسی، سروپای خویش را برهنه می‌سازد و روی به بیابان می‌نهد.

آسمان! ستاره‌ها! هلال باریک ماه! تاریکی و سکوت!

در دل محمد بن عیسی غوغایی به پا شده است:

پناه می‌خواهیم ما! امشب کسی باید که پناهمان دهد!

بازانده‌ای هستیم از دیار مظلومان تاریخ!

گمشده‌ای در تاریکی دسیسه و مکر و خدعه‌ی دشمنان!

راهی باید پیدا شود!

فریادرسی که فریاد ما را می‌شنود، کجاست؟! او را می‌جوئیم!

ما کسی داریم؛ کسی که فریادمان را می‌شنود!

خدایا!

خدا...! خدا...! خدا...!

سپیده‌ی سحرگاهی، همچون شیی که از پستان گوسفند جاری شده باشد، می‌آید که

پهنه‌ای از آسان را روشن کند.

محمد بن عیسی نمی‌تواند دست خالی باز گردد:

نه. اگر او نیاید، هیچ گاه به سوی یاران باز نخواهم گشت.

چگونه به چهره هراسان آنها بنگرم!

با چه زبانی، سخن از ناامیدی گویم!

ناگاه، نسیم عطر آگینی بر او می‌وزد؛ بویی خوش و روحپرور!

-ای محمدبن عیسی! چه شده است که تو را به این حالت می‌بینم؟

محمدبن عیسی، هرچند که از حضور خوشایند مرد غریبه و پرسش او اندکی دلگرم

شده است؛ اما نمی‌خواهد خلوت خویش را از دست بدهد. بنابراین با چشמהایی که

در پس پرده اشک، همه چیز را تار می‌بیند، می‌گوید:

-ای مرد! من را به حال خود واگذار؛ زیرا برای کاری بزرگ و مهم به این بیابان آمده

ام. من شکوه دارم؛ ولی راز دل خویش را برای کسی می‌گویم که منتظر آمدنش هستم.

مرد غریبه با لحنی که زنجیره خیال محمدبن عیسی را یکباره پاره می‌کند، می‌گوید:

-من، کسی هستم که تو او را می‌جویی!

محمدبن عیسی که انگار ضربه‌ای خورده است، به تردید می‌گوید:

-اگر تو کسی هستی که او را می‌جویم، دیگر نیازی نیست که من، گرفتاریم را

شرح دهم.

مرد غریبه پاسخ می‌دهد:

-آری. به خاطر مشکلی که آن انار برای شما ایجاد کرده است، به بیابان آمده‌ای.

فریادرس مسلمانان به فریاد می‌رسد ...

محمدبن عیسی، شادمان و خشنود به سوی یاران باز می‌گردد.

صبح فردا، دانشمندان شیعه به قرار خویش در نزد امیر حاضر می‌شوند.

محمدبن عیسی مطابق دستوری که از امام زمان (عج) گرفته است، می‌گوید:

-جواب شما را آورده‌ام؛ ولی باید در خانه وزیر آن را بگویم. امیر لحظه‌ای در اندیشه

می‌شود. سپس می‌پذیرد که همگی به خانه وزیر بروند.

وقتی آنها به خانه وزیر وارد می‌شوند، در سمت راست حیاط اتاقی وجود دارد، که

محمدبن عیسی به آن اشاره کرده و می‌گوید:

-جواب شما در این اتاق است.

وزیر از شنیدن این سخن رنگ می‌بازد. با هزار حيله‌ای که دارد، می‌خواهد از نزدیک

شدن آنها به اتاق جلوگیری کند؛ اما محمدبن عیسی همان حرف نخست را می‌زند:

-باید به همین اتاق داخل شوم.

امیر بحرین به وزیر فرمان می‌دهد که در آن اتاق را بگشاید.

وزیر، هراسان و بیمناک به سوی اتاق می‌رود.

محمدبن عیسی که می‌داند باید همگام و همراه او باشد. به سوی او می‌دود تا مراقبش

باشد.

آن دو با همدیگر وارد اتاق می‌شوند. محمدبن عیسی با دقت به دیوارها نگاه می‌اندازد. سوراخی که در گوشه‌ای از دیوار وجود دارد، توجه او را جلب می‌کند. او با سرعت به سوی سوراخ دویده و کیسه سفیدی را که داخل آن قرار دارد، بیرون می‌کشد.

وزیر هراسان و خشمناک، دشنام داده و سعی می‌کند کیسه را از او بگیرد؛ اما کاری از پیش نمی‌برد. محمدبن عیسی، به نزدیک امر رسیده و کیسه را در مقابل چشم او نگاه می‌دارد و می‌گوید:

-دستور دهید تا داخل کیسه را ببینند.

امیر، خودش کیسه را گرفته و داخل آن را نگاه می‌کند. بعد، دست به داخل کیسه می‌برد و یک قالب گلی از بیرون می‌آورد.

محمدبن عیسی می‌گوید:

-ای قالب را که به شکل انار ساخته اند، به دستور وزیر بوده است. همین طور که می‌بینید، در هر نصف از این قالب، همان کلماتی نوشته شده است که روی انار وجود دارد.

ای امیر! وزیر شما این قالب را روی اناری که در حال رشد بوده. قرار داده و آن را محکم بسته است.

همین طور که انار بزرگ می شده است، نوشته روی قالبها در پوست انار اثر گذاشته و اکنون به این صورتی که می بینید، در آمده است.

امیر بحرین، خشمناک و روی در هم کشیده به وزیر نگاه می کند.

وزیر توطئه گر، بر خود می لرزد. رنگ باخته و هراسات به اطرافیان خویش نگاه می کند؛ اما انگار کسی را نمی بیند. چندان و چنان به خود مشغول است و گرفتار که هیچ کس را نمی بیند.

محمدبن عیسی ضربه آخر را بر او وارد می سازد:

-ای امیر! ما معجزه دیگری هم داریم. داخل این انار، چیزی غیر از دود و خاکستر نیست. اگر بخواهید درستی سخن ما را بدانید، به وزیر فرمان دهید، آن را بشکند.

وزیر، همچون آدم نفرین شده و بی اراده، جلو می رود. انار را از امیر گرفته و سر پنجه های لرزان خود را بر آن می فشارد.

انار پوسیده، می ترکد و دود سیاهی که از آن بلند می شود، همراه با ذراتی خاکستری شکل به صورت و ریش او می پاشد.

موج خنده و فریاد شادی درهم می آمیزد. وزیر بیچاره هم، بر حال و روز خودش می خندد!

دقایقی می گذرد و امیر از اندیشه ای که دارد، فارغ می شود.

آنگاه از محمدبن عیسی می پرسد:

-چه کسی راز این انار را برایت فاش کرده است؟!

محمد بن عیسی پاسخ می دهد:

-امام زمان(عج) ما و حجت پروردگار.

امیر بحرین به انصاف و حقیق جویی در کلام، سؤال می کند:

-اما شما کیست؟

محمدبن عیسی، علی(ع) و یک یک امامان بعد از او را معرفی کرده و به امام

زمان(عج) می رسد.

در همین هنگام امیر می گوید:

-ای محمدبن عیسی! گواهی می دهم که خدایی نیست، مگر خداوند یکتا و محمد،

رسول و پیامبر اوست، و خلیفه و جانشین بعد از او، علی(ع) می باشد ...

شوق و اشک شادمانی، لرزه در کلام امیر بحرین می اندازد و او به ناچار سخن خود را

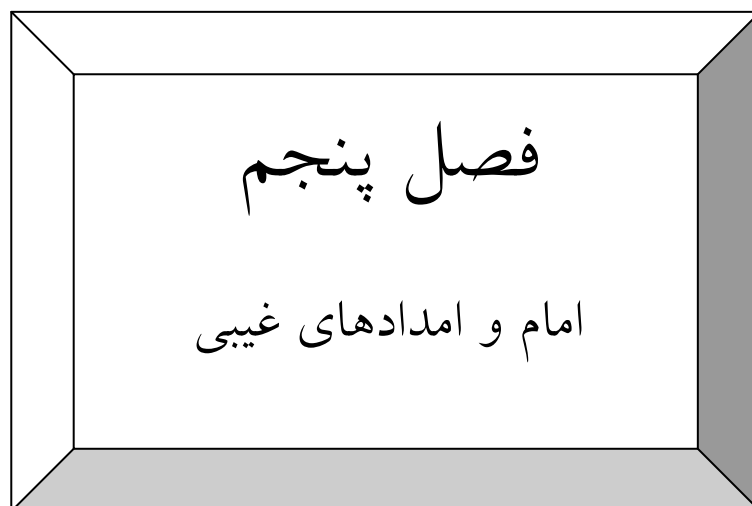
برای دقایقی قطع می کند. وقتی دوباره بر خویشتن مسط می شود، ادامه می دهد:

-بعد از علی(ع) نیز، فرزندان او امام و وصی پیامبر هستند. من به تمام آنان ایمان

آورده و اما زمان(عج) را، حجت و ولی زنده پروردگار تا زان ظهورش می دانم.

وزر یانت پیشه به دستور امیر بحرین محکوم به مرگ شده شیعیان این سرزمین،

سرگذشت شگفت انگیز این حادثه را در تاریخ خویش، ثبت می نمایند.





### همچون خورشید پنهان در ابر<sup>۱</sup>

«اسحاق بن یعقوب» از دانشمندان برجسته شیعه می‌باشد، که در روزگار نیابت محمد بن عثمان، نامه‌ای را در اختیار او قرار داده بود. در این نامه، سؤال شده بود که: «در زمان غیبت، مردم چگونه از وجود امام زمان (عج) خویش بهره مند می‌شوند؟»

اما زمان (عج) جواب نامه او را چنین داده بود:

- ... فایده‌ای که مردم در زمان غیبت از وجود من می‌برند، مانند استفاده آنان از نور خورشید است که ابر، آن را از نظرها پنهان ساخته است.

اکنون که غیبت طولانی امام زمان (عج) آغاز شده است و دیگر نایب و نماینده‌ای مشخص شده وجود ندارد تا مردم به او مراجعه نمایند، عالمان راستین شیعه به هدایت مسلمانان همت خواهند گماشت. دوران هفتاد ساله آن چهار نفر که نایب خاص و برگزیده اما زمان بودند، سپری گشته است و اینک مردم خودشان باید در بهبود کیفیت ایمان و اندیشه خویش، گام بردارند.

رشد عقلی و ایمانی مردم، که سالها به طور خواهد انجامید، زمینه اصلی بهره‌وری آنان از اما زمان خواهد بود. آنگاه که قابلیت فکری و ایمانی انسانها به اندازه‌ای از رشد خویش برسد و چسب دلشان به گونه‌ای روشن شود که بتوانند خورشید وجود امام

زمان را نظاره کنند، بیگمان او را خواهند دید.

دانشمندان پرهیزکار و وارسته شیعه، بعد از غیبت طولانی امام زمان (عج)، به عنوان نایب عام او را به هدایت و ارشاد مردم خواهند پرداخت.

فرمان مهدی (عج) در مورد پیروی از رهبران عالم در روزگار خودشان، اینگونه است:

«در کارها و حوادثی که بعد از این برای شما مردم پیش خواهد آمد و ممکن است که خیر و شر خویش را ندانید، به گویندگان گفتار و احادیث ما خاندان رسالت، که حجت من بر شما هستند و من نیز حجت خدا بر ایشان می‌باشم، مراجعه کنید.

این یک فرمان عمومی و کلی می‌باشد؛ اما چگونه می‌توان علما و دانشمندان پرهیز و وارسته را شناسایی کرد؟

اما صادق (ع)، سالها قبل برای مردم زمان خویش و تمامی حق جویانی که در طول تاریخ به جستجوی دانشمندی الهی خواهند بود، شرایط آن دانشمندان را بیان داشته است:

«آنها باید نگهدار نفس خویش از گناه باشند»

«آنها، حافظ و نگهبان دین خود بوده و ایمان خویش را به دنیای خودشان نمی‌فروشند.»

«آنها با خواسته‌های نفسانی خویش مبارزه کرده و در جستجوی ریاست دنیا نیستند.»

«آنها در برابر فرمان خداوند و پیامبر و امامان، مطیع و فرمانبردار می‌باشند.»

«ای مردم! بر شما لازم است که از چنین علمایی پیروی کرده و در کار دین خویش از

آنان تقلید نمایید.»

دانشمندان پرهیزکار و وارسته شیعه، از هان هنگام که غیبت کوتاه اما زمان آغاز شده

است، به بیداری افکار مردم پرداخته و سعی کرده اند، تا اراده و خواست پروردگار را

در مورد غیبت حجت و ولی خودش، برای توده‌های مردمی قابل پذیرش سازند. بعد از

غیبت طولانی امام زمان (عج)، کوشش و تلاش علمای شیعه در این زمینه، افزایش

چشمگیری می‌یابد.

مردم، پرسشهای گوناگونی در مورد غیبت امام دوازدهم مطرح می‌نمایند و علمای

اسلامی، با استمداد از سخنان رسول گرامی خدا و امامان بزرگوار، به پاسخگویی

می‌پردازند:

«پیامبر خدا در مورد اساس و ریشه غیبت امام مهدی (عج) اینگونه فرموده است:

او باید غیبت کند؛ زیرا اگر چنین نکند، همچون پدران خویش به توطئه دشمن کشته

خواهد شد.»

مردم می‌پرسند:

فایده غیبت چیست؟

علمای شیعه، کلام امام موسی کاظم (ع) را بازگو می‌کنند:

«غیبت قائم ما، آزمایشی است که خداوند با آن، بندگان را می‌آزماید.»

احادیث فراوانی وجود دارد که امتحان به غیبت امام مهدی (عج) را از شدیدترین امتحانات می‌داند.

به کدام دلیل، این امتحان شدید و سخت می‌باشد؟

بزرگان مذهب تشیع، دو دلیل اصلی را در پاسخ ذکر می‌کنند:

«چون زمان غیبت، بسیار طولانی خواهد شد، بیشتر مردم در شک و تردید می‌افتند؛ مگر انسانهای با ایمان و ثابت قدم در عقیده، که بر امامت مهدی (عج) باقی خواهند ماند.

«دلیل دوم، ریشه در حوادث و وقایع ناگواری دارد که در این غیبت بلند مدت روی خواهد داد. اما صادق (ع) در خصوص این روزگار، چنین بیان می‌دارد:

«کسی که در روزگار غیبت بخواهد دین خود را حفظ کند، مانند انسانی است که با دست برهنه، شاخه‌ای درخت خار را ضربه زند، تا خارهایش قطع شود!»  
مردم می‌پرسند:

«امام زمان (عج) در چه زمانی ظهور خواهد کرد؟»

و علمای شیعه، آنچه را از امامان پیشین به یاد دارند، بیان می‌کنند:

«هیچ کس غیر از پروردگار متعال، از زمان ظهور آگاه نیست؛ اما آنچه مشخص است،

رشد استعداد انسانها و آمادگی فکری آنان برای ظهور امام مهدی (عج) خواهد بود.»

امام باقر(ع)، وضعیت مردم دوران ظهور را چنین ترسیم کرده است:

-وقتی قائم قیام کند، دست عنایت و مهر پروردگار بر سر تمام انسانها گذارده می‌شود.

در این زمان، عقلها به رشد کامل خویش رسیده و اندیشه و تفکر بشری، کاملاً شکوفا

خواهد شد.

مردم می‌پرسند:

چرا امام زمان قرنهای پیش از ظهور خودش تولد یافته و باید عمری طولانی داشته باشد،

و سپس ظهور نماید؟ مگر خداوند قدرت ندارد که چند سال قبل از زمان ظهور، کسی

را که صالح و شایسته این مقام باشد، خلق کند؟!

علمای شیعه، سخنی را که از امام زین العابدین(ع) رسیده است، نقل می‌کنند:

«به وجود ما، آسمان برقرار است ... به خاطر ما خاندان وحی است که باران فرو

می‌بارد و رحمت و برکات عالم را نمایان می‌سازد. اگر کسی از ما خاندان

بر زمین باقی نماند، زمین مردمی را که بر خودش نگه داشته است، فرو بلعیده و آنها را

نابود می‌سازد.

از هنگامی که خداوند، آدم(ع) را خلق فرمود:زمین را حجت خویش خالی نگذارده

است. حجت پروردگار، گاهی ظاهر و آشکار می‌باشد و زمانی غایب و پنهان خواهد بود. آری تا وز قیامت، حجت پروردگار بر زمین باقی خواهد بود.»

هرچند که علمای وارسته و دانای شیعه، با پاسخهای خویش به مردم، افکار عمومی جامعه را در مورد امام زمان، آگاهی می‌بخشند؛ اما همگی بر این واقعیت اتفاق دارند که:

«راز بزرگ و حقیقی غیبت، برای هیچ کس معلوم و آشکار نیست. بعد از ظهور آن امام می‌باشد که حکمت این کار، هویدا خواهد شد. همچنان که کارهای خضر پیامبر در همراهی موسی (ع) بعد از پایان سفر آنها، هویدا گردید.\*

### به نزد امام زمان (عج) برو<sup>۱</sup>

اکنون، صدها سال است که از غیبت طولانی امام زمان (عج) می‌گذرد. اما شاهد، آگاه و حاضر بر تمام انسانها و آنچه بر تاریخ می‌گذرد، به اثبات وجود خویش و نمایان ساختن اراده پروردگار به تمامی مردمان، خود را نمایان می‌سازد؛ نمایان برای چشمهای پاکیزه‌ای که لیاقت دیدار او را دارند.

---

\* داستان همراهی خضر (ع) با موسی (ع)، که در طول سفر، کارهایی عجیب و به ظاهر دور از شأن یک پیامبر از خضر (ع)، مشاهده می‌شود، در کتاب بهترین قصه‌ها، آورده شده است.

۱- او می‌آید - تألیف رضا شیرازی - صفحه ۱۰۱ .

مقدس اردبیلی از دانشمندان مشهور و سرشناس شیعه می‌باشد. او ساکن شهر نجف بوده و به کار تعلیم طلاب دینی مشغول است.

یکی از شاگردان او «میر علام» نام دارد که شبهایی را به قصد زیارت امیرالمؤمنین علی (ع) به حرم مطهر امام می‌آید.

دور از چشم دنیا پرستان بودن و هیاهو و غوغای آنان را نشنیدن، دل را صفا می‌بخشد، تا بهتر بتوان با مولای خویش گفتگو کرد.

میر علام، با چنین روحیه‌ای که در خویش دارد، خلوتی صحن حرم را عشق می‌ورزد و قصد تبرک جستن از امیر مؤمنان را دارد. نزدیک درهای بسته حرم که می‌رسد، شخصی را می‌بیند که پشت به او دارد. میر علام در تاریک و روشن نور نقره‌ای ماه که بر زمین تابیده است، آرام باقی می‌ماند و حرکتی نمی‌کند.

آن مرد، روی به قبله گردانیده و زیر لب دعا می‌خواند.

در این هنگام، میر علام فرصت می‌یابد تا چهره او را ببیند:

مقدس اردبیلی است!

میر علام، چهره استاد خودش را خوب تشخیص می‌دهد. دلش می‌خواهد پیش رفته و به استاد سلام کند؛ اما یک چیزی او را از رفتن بار می‌دارد. بی اختیار، دلش به او فرمان می‌دهد که همچنان ساکت و خاموش بماند.

مقدس اردبیلی به سوی در حرم پیش می‌رود. درها بسته هستند؛ اما حادثه‌ای شگفت

انگیز رخ می‌دهد. چیزی که باور کردنش برای میر علام، آسان نیست:

با رسیدن مقدس اردبیلی به جلوی در حرم، آن در از داخل گشوده می‌شود؛

میرعلام، در حالیکه سعی دارد سرو صدایی ایجاد نشود. گامهایش را تند بر می‌دارد و

قصد می‌کند که او هم به حرم داخل شود؛ اما در بسته می‌شود!

تو بیگانه ای! اینجا، جایی است که آشنایان را می‌طلبند!

بیگانه هستی تو، ای میر علام!

میرلام، از شکاف باریک در، چشم می‌گذراند: هیچ چیز پیدا نیست! چراغ روغنی که بر

سینه دیوار آویخته شده است، شعله اش سوسو می‌زند؛ اما نمی‌توان کسی را در

روشنایی دید.

چه خبر است؟!!

برای مقدس اردبیلی چه کسی در را گشوده است؟!!

کاش او را می‌دیدم...! یا اینکه صدایش را می‌شنیدم!

به این آرزوی دل خویش، میر علام گوش به شکاف در می‌چسباند:

صدایی شبیه به زمزمه می‌آید؛ در گوشی و پنهان صحبت کردن دو نفر با همدیگر!

دقایقی که بر میر علام بسیار شورانگیز می‌گذرد، سپری شده و آن نجوای آرام قطع



می شود. دیگر، چیزی نمی شنود.

یکباره، صدای پای مقدس تردبیلی در پشت در شنیده می شود؛ چه کسی غیر از او می تواند باشد!

میرعلام، خود را به پناه یک ستون می کشاند.

در حرم، گشوده شده و مقدس اردبیلی بیرون می آید.

کسی دیگر غیر از میرعلام هم اگر باشد، این ماجرا را نیمه تمام نمی گذارد؛ باید تا پایان حادثه را پیش رفت و مرهمی برای حس کنجکاوی که به اندیشه آدمی ضربه وارد می آورد، یافت.

مقدس اردبیلی از نجف خارج شده و به سوی شهر کوفه که در فاصله ای بسیار نزدیک قرار دارد، می رود.

میرعلام، همچنان پنهان و با سکوت بسیار که در راه رفتن به کار می بندد، استادش را تعقیب می کند.

مسجد کوفه؛ جایی که مرکز حکومت و خلافت جانشین رسول خدا- علی (ع) بود. مکانی که امیر مؤمنان در محراب آن، ضربه شمشیر خورد و با خون خودش آنجا را گلگون ساخت.

مقدس اردبیلی به سمت مسجد کوفه می رود. درهای مسجد باز است. او پس از ورود

به مسجد، سوی محراب می رود.

توقفی دوباره و بازهم صدای زمزمه و گفتگوی پنهانی!

میر علام که دورتر ایستاده است، هیچ کس را نمی بیند؛ اما به یقین و اطمینان کامل، در می یابد که مشغول گفتگو است.

شور و حال این شب را چگونه می توان وصف کرد؟!

چه کسی باور خواهد کرد؟!

آنچه را که می بینم، با چه زبانی برای دیگران باز گویم!

دقایق، دقایق عمر چه پر نشاط و سبک می گذاند!

میرعلام، در وجود خویش چیز عجیبی را احساس می کند. ناشناخته ای که چنگ بر دلش کشیده و او را از خود، بیخود کرده است!

این چه حالی است که به من دست داده؟!

خدایا! کمک کن خدایا!

کم کم، شور و نشاطی در دلش پدیدار می گردد. در این غوغای شادنامه درونی که به او دست داده است، ناگهان می بیند که مقدس اردبیلی حرکت کرده و از مسجد خارج می شود.

بازگشت به شهر نجف؛ استاد، روی به نجف دارد و در راه است. میر علام اندکی که

راه می‌رود، ناگهان بی اختیار شده و سرفه اش را نمی‌تواند در سینه نگه دارد.

مقدس اردیلی به شنیدن این صدا بر می‌گردد و با نگاه گذرای که به شاگرد خویش

می‌اندازد، او را می‌شناسد:

-تو هستی مر علام!

میر علام با شادمانی و اندک لرزه‌ای در صدا می‌گوید:

-آری.

-اینجا چه می‌کنی؟

میر علام نزدیکتر می‌آید و پاسخ می‌دهد:

-از وقتی که شما وارد صحن مطهر شدید، با شما هستم.

مقدس اردیلی ساکت می‌ماند. در نگاهش. سخنی شاید باشد که نمی‌تواند بر زبان

آورد.

میر علام که گمان و اندیشه‌ای این چنین درباره‌ی استاد خویش دارد، هراس از این می‌کند

که خاطر او را رنجانده باشد. پس با کلامی که پوزش طلبانه می‌نمایاند، می‌گوید:

-شما را به صاحب این قبر مطهر سوگند می‌دهم که هرچه را در این شب شاهدش

بوده اید. برایم باز گوئید.

مقدس اردیلی، همچنان خاموش و در اندیشه است:

میر علام؛ سید فاضلی است که در حلقه شاگردان او قرار دارد و همان چیزی که این  
 اولاد فاطمه (س) را از خانه بیرون کشانیده و به مناجات خلوت و دور از چشم  
 دیگران، معتقدش ساخته است.

در دل مقدس اردبیلی می گذرد که:

چه بگویم با توای سید!

راز را می توانی نگه داری تو؟!

میر علام، به تیزی هوش خویش در می یابد که بر استاد چه می گذرد:

استادم، تردید کرده است. تردید دارد که رازش را فاش سازد!

پس برای اینکه مقدس اردبیلی را ازمینان دهد، می گوید:

-برایم بگئی. رازی را که من می دانم وجود دارد و تمام شب را شاهدش بوده ام، فاش

کنید. ای بزرگوار! سپیده سحر در حال شفتن است. سخن گوید، تا به نماز صبح رویم.

مقدس اردبیلی با شنیدن این کلام از شاگرد خویش، به سوی او رفته و لب می گشاد:

-به یک شرط می گویم.

میرعلام با اطمینان می گوید:

-شرطش را به جان پذیرا هستم.

مقدس اردبیلی سر تکا می دهد و با چهره ای که جدی و مصمم می نمایاند، می گوید:

-تا زنده هستم، نباید ماجرای این شب را به کسی بازگویی.

میرعلام، استوار و همچنان مطمئن، پاسخ می‌دهد:

-می‌پذیرم. قبول است ایستاد!

مقدس اردبیلی خشنود از قبول شرط خویش، ماجرا را فاش می‌سازد:

-در پاره‌ای از مسایل علمی‌اندیشه می‌کردم و حل آن برایم مشکل می‌نمود. به دلم

نشست که بروم خدمت مولا امیرالمؤمنین علی(ع) و حل مشکل را از آن حضرت

پرسم.

وقتی به در حرم رسیدم، چنانکه دیدی، در خودش گشوده شد. در آن مکان مقدس، از

خداوند تمنا کردم که امیر مؤمنان جواب پرسشهایم را بدهد.

ناگهان صدایی از قبر مقدس مولا شنیدم که فرمود: «به مسجد کوفه برو و از قائم ما

سؤال کن؛ زیرا او امام زمان (عج) تو است»

من بر همان فرمان به سوی مسجد کوفه رهسپار گشتم.

در کنار محراب، وجود شریف و مقدس اما مهدی(عج) را دیدم که نشسته اند.

پیش رفتن و مشکل خودم را پرسیدم. حضرت صاحب الزمان، پاسخ فرمودند و مشکل

علمی‌من، حل شد...

و به راه خانه خویش بودم، که تو را دیدم.

تو فتوا بده<sup>۱</sup>

علمای راستین شیعه، در زمان غیبت کوتاه مدت و طولانی امام زمان (عج)، پیوسته از مراتب لطف و امداد رسانی آن بزرگوار، برخوردار شده و می‌شوند.

مردان الهی که نگاهبان نفس خویش هستند و پشتیبان آیین پاک محمدی، از مراقبت و حمایت همیشگی مولایشان برخوردار می‌باشند.

شیخ مفید از دانشمندان خستگی ناپذیری است که در راه خدمتگزاری به اهلیت گرامی رسول خدا، با زبان و قلم خویش، کوشش می‌کند.

روزی، مردی روستایی که سرآسیمه و آسفته حال می‌نمایاند، به خدمت او در آمده و می‌پرسد:

-مشکلی برای ما پیش آمده است، که نشان شما را داده‌اند. شیخ مفید با ملاحظت و گشاده رویی همیشگی خود می‌گوید:

آنچه می‌خواهی، بپرس.

مرد روستایی بر زمین می‌نشیند. عرض پیشانی و صورتش را با دستمالی که دارد می‌زداید و می‌گوید:

در روستای ما زنی که حامله بوده، فوت کرده است. ما نمی‌دانیم که باید شکم زن را

شکافت و طفل را بیون آورد یا اینکه با آن نوزاد به دنیا نیامده، او را دفت کنیم؟

شیخ مفید سری می‌جنباند. گره اول در ابروان پیشانی و چهره درهم کشیده، شاید به

اندوه و تأسف بر حال زن، آنگاه می‌پرسد:

-نوزادش چه؛ آیا او زنده است؟

مرد روستایی در حال پاک کردن عرق از گردن، جواب می‌دهد:

-کودکش زنده است.

شیخ مفید، به جستجوی یافتن چاره‌ای مناسب، سر به زیر انداخته و می‌اندیشد: چنین

حادثه‌ای اگر تا امروز نمونه‌ای هم داشته باشد، به من روی نیاوره تا پیرامونش تحقیق

کافی به عمل آورم.

باید پاسخی به این مرد داد. جنازه مسلمانان بر زمین مانده است، و نباید زمان درازی،

اینگونه باقی بماند. پس به پاسخ مرد روستایی می‌گوید:

-با همان نوزادی که در شکم دارد، او را دفن کنید.

روستایی بر می‌خیزد. جمله‌ای برای احترام و تشکر از شیخ مفید بر زبان آورده و پای

در راه می‌گذارد.

اهل روستا چشم دوخته اند، تا او از راه در آید. مرد روستایی، بر مرکب خویش نهیب

می‌زند تا حیوان تندتر حرکت کند.

کمی که دور می‌شود، ناگهان متوجه صدایی می‌شود. کسی از پشت سر، با سرعت اسب می‌تازد و پیش می‌آید.

مرد روستایی، عنان مرکب را کشیده و بر جای باقی می‌ماند.

سوار به او می‌رسد. انگار پیغامی با خود دارد. به چهرهٔ مرد روستایی که همچنان در افکار خودش غوطه‌ور است، نگاه کرده و می‌گوید:

-ای مرد! از جانب شیخ می‌آیم. او گفته است که شکم زن را بشکافید و طفل را بیرون آورده و سپس او را دفن کنید.

مرد روستایی، بدون درنگ به راه می‌افتد. همانگونه که سر در کار خویش دارد، بانگ می‌زند:

-از شیخ ممنون هستیم. منت او بر ما خواهد بود.

بر اساس فرمان جدیدی که به مرد روستایی رسیده است، سرانجام نوزاد زنده می‌ماند و مادرش به خاک سپرده می‌شود.

زمانی می‌گذرد و این ماجرا به گوش شیخ مفید می‌رسد. عالم وارسته و پرهیزکار شیعه، از شنیدن سرانجام آن حادثه، به سختی تکان می‌خورد. او با خود می‌اندیشد:

«من که کسی را دنبال مرد روستایی روانه نکرده بودم، و هیچ کس نیز از صحبت‌های ما



خبر نشد. پس آن مرد؛ او ... او که بود؟»

دل پاک و قلب با ایمان شیخ مفید، او را مدد می‌رساند و در می‌یابد که آن سوار، کسی غیر از صاحب اختیار مسلمانان نبوده است.

امام زمان؛ پشتوانه روحی و عاطفی علمای شیعه در تمامس حادثه‌ها!

سکوت؛ زبان از گفتن فرو بستن؛ گوشه گیری و در خویش غرقه گشتن!

این، جریمه‌ای است که شیخ مفید برای خویش مقرر می‌دارد.

چرا؟!

او به خود پاسخ می‌دهد که: «چون در احکام دین، خطا و اشتباه می‌کنم، همان بهتر که دیگر فتوا ندهم و در خانه بنشینم»

چند روزی که می‌گذرد، مزده‌ای که جان بخش و روحپرور می‌نمایاند، بر او وارد می‌شود. خبر از جانب دوست می‌باشد. همو که جان شیرین را اگر به پایش هدیه کنی، بازهم حکایت مقام و جاه سلیمان پیغمبر است با مورچه‌ای که پای ملخ به هدیه می‌برد!

ای فرمان امام زمان (عج) است:

-ای شیخ! تو فتوا بده، ما اصلاح و استوارش م‌نماییم.

شیخ مفید، سر پنجه لطف و مهربانی امام مهدی (عج) را می‌بیند، که پشتوانه راه و کار او می‌باشد.

عالم وارسته شیعه، به خوبی می‌داند که امام آگاه و حاضر، بر تمام حوادث و ماجراها اطلاع داشته و بدینگونه با اصلاح فتوای او، پشتیبان و حمایت کننده اش بوده است. پس به فرمان ولی امر خویش، بار دیگر به مسند فتوا می‌نشیند. خواست و اراده پروردگار بر این است، که شیعیان گمنام و عادی نیز، گهگاه از نور درخشنده این خورشید امامت بهره جویند.

ظهور و جلوه نمایی زمان(عج) برای توده‌های مردمی، همیشه در کار بازسازی اخلاق و رفتار شیعیان و آموزش تعالیم الهی به آنان می‌باشد.

یکی از شیعیان اهل مدائن که به سفر حج آمده است، جوانی خوش سیما را در حال احرام مشاهده می‌کند. در این میان، فقیری به سوی آنها آمده و تقاضای کمک می‌کند. آن مرد مدائنی از کمک به فقیر، دریغ می‌نماید.

فقیر که شاید احتیاج واقعی داشته است، در کار خویش سماجت نشان داده و به سوی آن جوان خوش سیما می‌رود و تقاضای کمک می‌کند.

مرد مدائنی ناخواسته و بی اختیار، آنها را نگاه می‌کند؛

جوان، چیزی از زمین بر می‌دارد و در مشیت فقیر می‌گذارد.

مرد فقیر با مشاهده آن بخشش، شادمان می‌شود و در حق آن جوان دعای فراوان می‌کند. در یک لحظه کوتاه، از اندیشه مرد مدائنی می‌گذرد که چه چیز با ارزشی ممکن

است روی زمین وجود داشته باشد، که فقیر را آن همه خوشحال کند.

دلش می خواهد این را بداند. نگاه بر فقیر می اندازد و می اندیشد که پیش او رفته و

سؤال نماید؛ اما شاید فقیر، راستش را نگوید!

پس بهتر است که از جوان خوش سیا بخواهد که حقیقت بخشش خود را فاش سازد.

بر این تصمیم است که سر بر می گرداند به سوی آن جوان.

اما، شگفت اگیز است؛ جوان، انگار آب شده و بر زمین فرو رفته است.

او که همین جا بود!

جوان که گمانی ناگهانی بر اندیشه اش همچون آورده است، به سوی مرد فقیر رفته و او

را سوگند می دهد تا چیزی را که در دست دارد، بخ او نشان دهد.

مرد فقیر، مشت گشوده و دانه ای طلا را که به شکل و اندازه ریگهای روی زمین است،

نشان او داده و می گوید:

-آن مرد؛ او که بزرگوار و بخشنده بود، دست به همین ریگهای زیر پای ما برد. دانه ای

ریگ برداشت؛ اما وقتی آن را در مشت من گذاشت، طلا شده بود، طلا!

جوان مدائنی که همراه یکی از دوستان خویش می باشد، شگفت زده به او نگریسته و

با لکنت زبان می گوید:

-خدا را سوگند می خورم، که او حجت پروردگار بود؛ امام زان(عج)!

دوستش در حالیکه با کنجکاوی میان مردم چشم می‌دواند، سر به تصدیق او تکان می‌دهد.

سپس هر دو نفر آنها، قسمتی از آن محل را بر می‌گزینند، تا جوان خوش سیما را بیابند؛ اما تلاششان بی‌ثمر می‌باشد.

وقتی از جستجو خسته می‌شوند، به سوی گروهی که آن جوان خوش سیما در میان آنها بود، رفته و سراغ او را می‌گیرند.

درباره این جوان، اطلاعی جر این داریم که از سادات علوی است و هر سال پیاده به حرم می‌آید و در مراسم حج شرکت می‌کند.

خروش دردمند جوان مدائنی و دوستش در صحرا می‌پیچد:

-ای امام زمان (عج)! کجایی؟! کجا هستی تو؟! چرا تو را نشناختیم؟! چرا!

## فصل ششم

عدالت و برابری در حکومت

حضرت مهدی (عج)

### عدل و عدالت

بقاء عالم به عدالت است و خلقت جهان با همه موجوداتش بر میزان اعتدال بوده و ذره‌ای از عدالت خارج نیست چنانچه می‌فرماید: و لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم - جه نظام عالم بر اعتدال و عدالت اجتماعی است و انحراف و سقوط و تلاش در عدم بی‌عدالتی است و لذا آدمی را در این مسیر باسفل السافلین برمی‌گرداند ثم رددناه اسفل السافلین

طبع آفرینش بر گوهر اصالت و ذات مقوم است و انحراف عریضی است که سلب می‌گردد و باید اعراض را بمنظور حفظ خلقت از بین برد - این آفرینش در مسیر خود کمال علم است و در انحراف جهل و ضلالت است.

و خداوند سیر تکاملی خود را عوض نمی‌کند چنانچه می‌فرماید ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یغیر و اما بانفسهم.

وقتی نفوس که منشاء تمام صفات فاضله است منحرف گردید این انحرافات رخ می‌دهد و قیافه زندگی عوض می‌شود علائم تغییر نفس انحراف او از اعتدال باعوجاج است که نشانه‌های آن حب‌جاه - شهوت - کینه - لجاجت - ستیزگری - طمع - آز - حرص - ولع - عناد - تکبر - خودپسندی - خودستائی - بی‌نظمی در زندگی - بی‌انضباطی در کار - نزاع و مناقشه بین زن و مرد - موجو و مستأجر - کارگر و کارفرما - آمر و مأمور -

بانی و بنا- عابر - راهنما و غیره می‌باشد. که بجای کمال نقض بوجود می‌آورد و چنانچه دیده‌ایم و در محیط خود می‌بینیم بقول سعدی سنگ را بست و سگ را گشاده‌اند و نعمت را مبدل بنقمت می‌نمایند - ابواب افتضاح و رسوائی را بسوی خود می‌گشایند حقوق بین متعاملین در هر باب باشد رعایت نمی‌گردد- امنیت اجتماعی از بین می‌رود - مراجع قضائی و نیروی قضات شرعی استقلال حکومت ندارد در این وقت است که نعمت عزت و استقلال و اخوت و مواسات از بین می‌رود انسانی که مدنی‌الطبع آفریده شد میل می‌کند بدوی‌بالعرض گردد و گوشه‌انزوا و گمنامی‌پیش گیرد.

ملاحظه کنید وقتی صدقات بصورت تمایل و شهوات ادا می‌شود مثلاً برای یک رقاصه ستاره سینما حاضرند مبلغی گزاف خرج کنند ولی یک بیمار ناتوان با یک جاهل نابخرد یا یک فقیر را حاضر نیستند بنوای خود برسانند.

باقیات صالحاتی که در مدرسه و مسجد و کتابخانه تجلی داشت در تلویزیون - تماشاخانه - تئاتر و سینما ظاهر گردیده.

همه پیغمبران منادی عدالت اجتماعی و مبین اعتدال مزاج عالم بوده و صفوف بشر را از انحراف و لغزش نجات داده براه روشن تکامل هدایت می‌کنند ائمه هم رهبر عدل<sup>۱</sup>

۱-منتقم حقیقی زندگانی حضرت صاحب الزمان - تألیف حسین عمارزاده - انتشارات محمودی - صفحه ۲۲ .

و راهنمای باعتماد و حفظ انتظام اجتماع هستند امام زمان هم با همین محیط روبرو شده و ظهور می‌کند تا بشر را از این ورطه هولناک و پرتگاه خطرناک نجات بخشد.

### مهدی مردم را بقرآن و سنت هدایت می‌فرماید

در سابق گفته شد که هر امامی قائم بامر دین است و حضرت مهدی باین امر اختصاص دارد زیرا از دین جز اسمی باقی نمانده و از قرآن جز نامی و حروفی و قائم آل محمد (ص) تمام بشر را دعوت بتوحید و نبوت و معاد و عدل الهی و امامت ارشاد و هدایت می‌فرماید و در این موضوع ۱۵ حدیث از فریقین نقل شده است.

در نهج البلاغه در خطبه ملاحم می‌فرماید:

يعطف الهوى على الهدى اذا عطفوا الهدى على الهوى و يعطف الراى على القرآن اذا عطفوا القرآن على الراى « منها » حتى تقوم الحرب بكم على ساق باديا نواجذها. مملوه اخلافها - حلوارضاعها- علقما عاقبتها ، الاوفى غدوسياتى غديما لاتعرفون باخذالوالى من غيرها عمالها على مساوى اعمالها تخرج له الارض من افاليد كبتها و تلقى اليه سلماً مقاليدها فيريكم كيف عدل السيره و يحيى ميت الكتاب و والسنه<sup>۱</sup> همين مدلول حدیث را در روایت دیگر قندوزی در ینابیع الموده نقل می‌کند محمدبن عبده در شرح



نهج البلاغه آورده که دین و قرآن و سنت در آخر زمان خواهد مرد یعنی ضعیف می شود تا مهدی امت قیام کند و آنرا زیاد نماید و افالید کبدها طلاهای ریزه در جگر خاک همه بیرون افتد و برای صاحب الامر ظاهر گردد و چنانچه در آیه است.

« واخرجت الارض اثقالها » یعنی کنوز و معادن و ذخایر زمین برای مهدی خارج می شود چنانکه در حدیث می فرماید « و فاءت له الارض افلاذ کبدها » و اخبار دیگر هم مؤید این گفتار است که بدست قائم آل محمد ذخایر مکشوف گردد و زمین احیاء شود و محصول و مواد اولیه فراوان گردد و مصرف بمیل و دلخواه حاصل گردد.<sup>۲</sup> فرمود می رسد آنروز که هوا و هوس بر هدایت غالب شود و هدایت را برهوا و هوس پیشه سازد قرآن را برای خود ترجمه می کنند و چون فکری نو آورند قرآن را ملاک گفته خویش قرار می دهند در آن عصر جنگ برپا می شود دهان خود را می گشاید و دندانهای خود را تیز می نماید. آماده سوختن و در خود فرو بردن مردم است آنروزها نسلها زیاد می شوند پستان جنگ شیر می دهد که کامها شیرین می گردد ولی عاقبت آن تلخ و زهر ناکست. متعاقب آنروزی خواهد رسید که از آن بیخبرند - مهدی ما در آن عصر ظهور می کند فرمانداران و سلاطین و حکام را بسوء اعمال خود دستگیر می نماید.

ان روز زمین معادن و ذخایر خود را برای او بیرون می‌ریزند و کلید گنجهای زمین را تسلیم آن حضرت می‌کند تا مهدی ما کتاب و سنت و دین و آئین را که فرسوده و کهنه شده زنده نگهدارد.

### مهدی محیی سنن انبیاء می‌باشد

حضرت مهدی (عج) از شاگردان مخصوص مکتب ربوبی است و لذا در اجرای سنن اولیاء خدا همت می‌گمارد و خودش نیز از آن سنن بیرون نیست چنانچه غیبت از همان سنن انبیاء و رسل است شریف ابوالحسن علی بن موسی باسناد خودش از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت می‌کند که فرمودند:

فی القائم سنه من سبعة انبیاء - سنه من انبیا آدم و سنه من نوح و سنه من ابراهیم و سنه من موسی و سنه من عیسی و سنه من ایوب و سنه من محمد.

اما از سنت آدم و نوح طول عمر است که مهدی طویل العمر خواهد بود.

از سنت ابراهیم پنهانی ولایت اوست از ترس دشمن و گوشه‌گیری او از مردم.

از سنت موسی خوف و غیبت است.

از سنت عیسی اختلاف مردم است در میلاد و رفع او

از سنت ایوب فرج بعد از شدت است.

و از سنت پیغمبر خاتم (ص) خروج بشمشیر است.<sup>۱</sup>

هین مشو پنهان ز ننگ مدعی	که تو داری نور وحی شعشعی
هین قم اللیل که شمعی ای همام	شمع دائم شب بود اندر قیام
کارهادی دین بودهارئی	هاتم آخر زمان را شادئی
خیز بنگر کاروان ره زده	غول کشتی بان این ره آمده
باش کشتیبان در این بحر صفا	که تو نوحی ثانی ای مقتدا
هین روان کن ای امام متقین	این خیال اندیشگان را تا یقین

### مهدی قیام به شمشیر می کند

در اینکه مهدی امت قیام به شمشیر می کند و پس از خروج او قیام بامر حق کسانی که سابقه ایمان نداشته باشند ایمانشان مفید بحالشان نخواهد بود در این موضوع هفت حدیث است.

در تفسیر صافی - در ذیل آیه یوم یاتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تکن آمنت من قبل می نویسد شأن نزول این آیه خبر خروج مهدیست و در آن روز که مهدی قیام کند با شمشیر خروج می نماید و برخی از ترس او ایمان می آورند در

۱ - کمال الدین - غیبت پنهانی - غیبت شیخ - اثبات الوصیه مسعودی

حالیکه منافق هستند مانند منافقین صدر اسلام و قرآن صریحاً می‌فرماید ایمان ظاهری آنها سودی بحالشان ندارد و بهمین دلیل خطاب شد بگوئید ایمان آوردیم بگوئید اسلام آوردیم وقتی ایمان شما مفید است که از روی واقعیت باسلام عمل کنید.

در خروج مهدی آل محمد(ص) این تظاهر مفید نخواهد بود مگر آنکه تسلیم شوند.<sup>۱</sup> و علت اینکه قائم آل محمد(ص) با شمشیر منافقین و متظاهرين ریاکار را قلع و قمع می‌کند این است که می‌خواهد عدالت قائمیه و اسلام بمعنی حقیقی را بوجود آورد و اجرا کند اما پیغمبر(ص) می‌خواست دین را تسلیم فرماید لذا به منافقین سخت نگرفت اوصادع و واضع دین بود باید مماشات فرماید ولی قائم آل محمد مأمور اصلاح و تصفیه است و لذا هرگونه مجاز و باطل را محو و نابود می‌فرماید.

جویبار ملک را آب از لب شمشیر تست  
تو درخت عدل بنشان بیخ بد  
خواهان بکن

گوشه‌گیران انتظار جلوه‌ای خوش می‌کشند  
برشکن طرف کلاه و برقع از رخ  
برفکن

مهدی بر کلیه سلاطین سلطه خواهد یافت

۱ - تفسیر صافی - ینابیع الموده ص ۴۲۲ ۰ غیبت نعمانی بنقل منتخب الاثر ص ۲۰۲

در اینکه مهدی آل محمد(ص) پس از خروج بشمشیر بر تمام سلاطین جهان سلطه خواهد یافت یک حدیث از طرف عامه روایت شده ابن ماجه در صحیح خود از حرمله بن یحیی مصری باسناد خودش از عبدالله بن حرث بن جزء زبیدی از پیغمبر اکرم(ص) روایت کرده که فرمود قال رسول الله يخرج ناس من المشرق فيوطؤون للمهدی یعنی سلطانه خروج می کند از مشرق مردمی که در تحت نفوذ سلطنت مهدی قرار می گیرند این خبر را گنجئی در بیان از ابن ماجه و قندوزی در ینابیع الموده و منتخب کنزالعمال نیز روایت کرده اند<sup>۱</sup>

### مهدی بنماز می ایستد و عیسی بن مریم باو اقتداء می کند

در اینکه مهدی عج ظهور می کند و حضرت عیسی بن مریم فرود می آید و شت سر او نماز می گذارد هشت حدیث از عامه نقل شده القائم منا یصلی عیسی بن مریم خلفه<sup>۲</sup> بتواتر نقل شده که قائم آل محمد(ص) در خانه کعبه بنماز می ایستد و عیسی پشت سر او نماز خواهد گذارد.

۱ - ینابیع الموده ص ۴۳۵ کنزالعمال حاشیه مسند احمد ص ۲۹ ج ۶ بنقل منتخب الاثر ص ۳۰۴

۲ - منتخب کنز العمال ص ۳۰ ج ۶ غایه المآمول ص ۳۶۵ ج ۵ اسعاف الراغبین ص ۱۳۵ ینابیع الموده ص ۴۶۹ فتح المبین ص ۷۶ اتوار التنزیل - عیون المعجزات - تفصیل و غیره بنقل منتخب الاثر ص ۳۱۷

و سی حدیث در نزول عیسی بن مریم و نمازخواندن پشت سر مهدی از شیعه وارد شده است که حضرت مهدی (ع) بحضرت عیسی می فرماید شما نماز بگذارید من اقتدا می کنم عیسی می فرماید شما اولتر هستید و همه می بینند که عیسی پشت سر امام زمان (ع) نماز خواهد خواند.<sup>۱</sup>

### مهدی صاحب پرچم مخصوصی است

از احادیث چنین مستفاد می شود که مهدی صاحب پرچم است و شش حدیث از عامه نقل شده: قندوزی روایت میکند که پیغمبر (ص) فرمود رایه المهدی فیها مکتوب «البیعه لله» و در روی پرچ او نوشته شده بیعت برای خداست مجلسی نوشته اسمعو و اطیعوا در روایت دیگر است که پرچم شعیب بن صالح بدست او خواهد بود.<sup>۲</sup>

الامام ابن الامام ابن الامام

قطب افلاک المعانی و الکمال

یا امام العصر یا شمس الهدی

یا امام الخلق یا بحر الندی

عجلن عجل فقد طال المدی

واضمحل الدین و استولی اضلال

با ولی الامر یا كهف الرجاء

مسنی الضر و انت المرتجی

۱ - تذکره الخواص ص ۳۷۷ صحیح مسلم ص ۶۳ ج ۱  
 ۲ - ینابیع الموده ص ۴۳۵ - کمال الدین - بحار النوار - البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان باب ۷

### مهدی ظهور نمیکند مگر پس از امتحان دشوار مؤمنین

مهدی آل محمد در پس پرده غیبت است تا آنکه مؤمنین سخت در معرض امتحان درآیند و در دشواری و سختی افتند و به بلیات عظیمی گرفتار شوند و حوادث و فتن مردم را احاطه نماید که جز توسل و تمسک به ذیل عنایت امام غائب نداشته باشند و در این موضوع ۲۴ حدیث از فریقین وارد شده است.

در غیبت شیخ از حضرت صادق روایت می کند که باصحابش فرمود:

فقال هیهات هیهات لایکون فرجنا حتی تغربلوا ثم تغربلوا یقولها ثلاثاً یدهب الله تعالی الکدر و یبقی الصفو

دور است دور فرج قائم آل محمد(ص) تا روزی که مردم در غربال امتحان سخت آزمایش شوند تا از غربال چه کسی بدررود کی بماند آنقدر مردم را امتحان می کند که ثلث آنها باقی نخواهد ماند و خداوند آنچه غل و غش در وجود جامعه هست می برد و باقی خواهد ماند صافی ضمیران روشن دلان آنگاه امام زمان ظاهر میگردد.<sup>۲</sup>

### مهدی با اسم و اسم پدرش می خوانند

در ذیل آیه وان نشأ نزل علیهم من السماء آیه از ابی بصیر و ابی الورد از حضرت امام

محمد باقر(ع) روایت شده که فرموده این آیه درباره مهدی قائم آل محمد نازل شده که منادی او را بنام خودش و نام پدرش از آسمان صدا می‌کند و بر همه معرفی می‌نماید و در فرایدالسمطین از ابی‌نعیم نقل میکند که پیغمبر(ص) فرمود:

قال رسول الله (ص) يخرج المهدي و على رأسه ملك ينادي هذا المهدي خليفه الله فاتبعوه مهدي خروج میکند در حالی که بالای سرش فرشته ندا میکند این است همان مهدی امت و قائم آل محمد و خلیفه خدا در زمین اطاعت کنید و او را - در این موضوع ۲۷ حدیث از فریقین نقل شده است<sup>۳</sup>

ساقی بیا که یارزرخ پرده بر گرفت      کار چراغ خلوتیان باز در گرفت  
آن شمع سر گرفته دگر چهره بر فروخت      وان پیر سالخورده جوانی ز سر گرفت

### مهدی(ع) و معجزه انبیا

خداوند عالم برای معرفی و تأیید شخصیت ولی خود معجزات پیغمبران سلف را بدست او تجدید نماید و برای اتمام حجت بدشمنان مواریث انبیا را که باو سپرده و پرچم فتح و ظفری که بدست پیغمبران(ص) بوده همه را بدست قائم آل محمد ظاهر میسازد و آنحضرت به همه مردم مواریث ودایع انبیا را نشان خواهد داد تا مطمئن

۳ - ینایبع الموده ص ۴۲۶ - فراید السمطین ص ۴۴۷ - اسعاف الراغبین ص ۱۳۸ - الملاحم و الفتن باب ۶۷



گردند که این همان مهدی موعود است و در اینباب پنج حدیث وارد شده است.  
 ابوسلمان احمدبن هوده از ابراهیم بن اسحق نهاوندی از امام محمد باقر(ع) روایت کرده  
 که فرمود اذاظهر القائم (ع) ظهر رایه رسول الله و خاتم سلیمان و حجر موسی و عصاه.  
 چون مهدی ظهور کند پرچم نبوت و انگشتر حسرت سلیمان و سنگ و عصای موسی  
 بدست او خواهد بود.

در روایت حمادبن عیسی می فرماید هیچ آثار نبوت و ولایت نیست مگر آنکه خداوند  
 از وسایل معجزات آنها همه را بدست قائم مهدی بسپارد تا اتمام حجت بر مردم جهان  
 شده باشد.

### مهدی منتقم از دشمنان خدا و رسول و ائمه طاهرین است

منتقم از القاب حضرت مهدی است و انتقام کشنده است از دشمنان که در درجه اول  
 دشمنان خدا و دشمنان رسول خدا و دشمنان اهل بیت اطهار (ع) میباشد در این خبر  
 چهار حدیث وارد شده است.

محمدبن جریر طبری از علی بن هبه الله از محمدبن علی بن حسین بن موسی قمی باسناد خود  
 از حضرت ابی جعفر الباقر(ع) روایت میکند که یکی از اصحاب امام پنجم سؤال کرد  
 یا بن رسول الله آیا شما هم قائم بحق نیستند؟ فرمود:

قال (ع): لما قتل جدی الحسین ع ضجت الملائکه بالبکاء و النحیب و قالوا الهنا و سیدنا تصفح عن قتل صفوتک و ابن صفوتک و خیرتک من خلقک فاو حی الله الیهم قرو املائکتی فوعزتی و جلالی لانتقمن منهم و لو بعد حین ثم کشف الله عزوجل لهم عن الائمہ من ولد الحسین فسرت الملائکه بذلك و رأو واحدهم قائماً یصلی فقال سبحانه بهذا القائم انتهم منهم.<sup>۱</sup>

فرمود چون جدم حسین را کشتند ملائکه سخت گریان شده عرض کردند پروردگارا آیا رو گردان از این کشندگان برگزیدگان خود نیستی، اینها بهترین خلق تو و پاکترین نفوس مخلوق تو می باشند که بدست شریرترین مردم کشته شدند.

خطاب شد بعزت و جلال خود سوگند چنان از این قتله کربلا انتقام بکشم اگر چه پس از مدتی باشد آنگاه فرمود اگر ملائکه و فرشتگان بدانند ائمه اولاد حسین چگونه دارای مجد و عظمت می شوند مسرور و مشعوف خواهد شد سپس فرمود یکی از این ائمه قائم آل محمد است که خداوند بوجود مقدس او از دشمنان دین و بدخواهان پیغمبر و اهل بیت اطهار و ائمه دین انتقام خواهد کشید.

مهدی بنصرت خدا بر همه فائق خواهد شد

در اینکه خداوند حجت خدا را علناً نصرت و یاری خواهد کرد و ظهور او بر همه آشکار و علنی است و دین حق ظاهر می‌گردد و بحمایت حق تأیید می‌گردد و بملائکه نصرت میشود و اسلام در زمین منبسط و شهرت خواهد یافت و دنیا باسلام زنده می‌گردد ۴۷ حدیث از فریقین نقل شده.

محمد بن محمد بن عصام از محمد بن یعقوب کلینی از حضرت امام محمد باقر (ع) روایت میکند که فرمود:

القائم منا منصور بالرب - مؤید بالنصر - تطوی له الارض و تظهر له الكنوز يبلغ سلطانه المشرق و المغرب و يظهر الله عزوجل به دینه علی الدین کله ولو کره المشرکون فلا یبقی فی الارض خراب الا و عمر و ینزل روح الله عیسی بن مریم فیصلی خلفه<sup>۱</sup>

فرمود قائم ما یاری میشود بترسی که خداوند در دل مردم می‌اندازد و بیاری خدا مؤید می‌گردد و زمین برای او بهم پیچیده میشود که هر کجا بخواهد بیک لحظه میرود کانهها و معادن و منابع و ذخائر زیرزمین برای او ظاهر و مکشوف می‌گردد سلطنت او از شرق تا غرب را فرا میگیرد خداوند عالم دین او را بر تمام ادیان غالب می‌سازد اگر چه

۱ - این حدیث در علل الشرایع بسند ابو حمزه ثمالی و در بحار الانوار بسند شیخ مفید و در غیبت نعمانی بسند حزاب بن احنف نقل شده است بنقل منتخبات اثر ص ۲۹۸

مشرکین مکروه داشته باشند هیچ کجای دنیا خرابی نیست مگر آنکه آباد شود و حضرت عیسی(ع) از آسمان فرود آید و پشت سر حجت خدا نماز گذارد.<sup>۲</sup>

### چگونه با مهدی بیعت می کنند.

ابن عباس از حذیفه نقل می کند که گفت شنیدم رسول خدا(ص) فرمود انه یبایع الرکن و المقام اسمہ احمد و عبدالله و المهدی مردم بین رکن و مقام آن حضرت بیعت می کنند.

در اسعاف الراغبین است که چون سلطنت دولت حقه بدست امام استقرار یافت دنیا آباد و عمران خواهد شد و کنوز و گنجها بدست او ظاهر خواهد گردید و دنیای آباد و زیبا و معموری خواهد شد.

باضافه که عقول رشد خود را شروع می نماید و امورات بسیار سهل و آسان می گردد بدیهی است که وقتی دروغ و خلاف حقیقت محو شد همه براستی و درستی عمل می کنند و در امور معنوی عقول مراتب کامل خود را طی می نمایند از کتاب کافی و روضه کافی و حق الیقین اخبار و احادیثی در این باره نقل شده است.

۲ - کمال الدین بنقل منتخب الاثر ص ۲۹۲ - مجمع البیان - عیون الاخبار  
ینابیع الموده ص ۲۴۷۳ تفسیر فرات - بحار الانوار - غیبت نعمانی

### مهدی شرق و غرب عالم را می‌گیرد

از مفاد احادیث استفاده می‌شود که مهدی آل محمد (ص) خروج می‌کند و شرق و غرب عالم را خواهد گرفت و ۱۲ حدیث از فریقین نقل شده است.

در کتاب المحجه فیما نزل القائم الحجه محمد بن عباس باسناد خود از حضرت امام محمد باقر نقل کرده که فرمود آیه شریفه:

الدين ان مكننا هم في الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزكوه و امروا بالمعروف و نهو عن المنكر والله عاقبه الامور

درباره قائم آل محمد و مهدی و اصحاب او نازل شده که شرق و غرب عالم را خواهد گرفت و دین او جهانگیر می‌شود و باصحاب او بدعتها و خلافها از بین خواهد رفت و منکرات و فحشاء معدوم می‌گردد.<sup>۱</sup>

ابن عساکر می‌نویسد چون قائم آل محمد (ص) ظهور کند اهل مشرق و مغرب در پیرامون او جمع خواهند شد.<sup>۲</sup>

در غایت المرام در آیه اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعا می‌نویسد این آیه درباره دوستان مهدی است که از تمام شهرها اطراف او جمع می‌شوند.

۱ - ینابیع الموده ص ۴۲۵ - منتخب الاثر ص ۴۷۰  
 ۲ - تاریخ ابن عساکر ص ۶۲ ج ۱ چاپ شام و ینابیع الموده ص ۴۳۳

### جمع ملل تسلیم مهدی می شوند

در اینکه کلیه ملل عالم باسلام می گردند و تسلیم دعوت مهدی می گردند هفت حدیث از فریقین نقل شده است: عیاشی از ابوالحسن از آیه وله السلم من فی السموات و الارض طوعا و کرها سئوال کرد فرمودند این آیه درباره مهدی نازل شده که تمام اهالی شرق و غرب تسلیم او شوند چون قیام کند یهود و نصاری صائبین - زنادقه - اهل رده و کفار در مشرق و مغرب زمین گردن باطاعت او می گزارند و از آیه الملک یومئذ للرحمن پرسیدند فرمود ملک رحمن روز قیام مهدی آل محمد شروع می شود که همه بشر خدا را عبادت می کنند و در آیه جاء الحق و زهق الباطل می فرماید مراد محو دولت باطل و استقرار دولت حقه الهیه بدست قائم آل محمد (ص) است.<sup>۱</sup>

### در ظهور مهدی برکات زمین ظاهر می گردند

در سابق اشاره کردیم که زمین از آن خداوند است و امام زمان (ع) از اعضاء کابینه دولت حقه الهیه می باشد و باید بوجود مقدس او تمام بشر راه صلاح و صواب پیش گیرند و لذا خداوند تمام مخازن و برکات و موالید و معادن و گنجهای دنیا را در اختیار مهدی موعود می گذارند در این موضوع ۱۲ حدیث از فریقین نقل شده است.

<sup>۱</sup> - الحججه فیما نزل فی القائم الحججه - روضه کافی ینقل منتخب الاثر ص ۴۷۱

در کتاب الفتن و الملاحم روایت کرده‌اند که ابی سعید خدری از پیغمبر خدا(ص) نقل می‌کند که فرمود:

قال(ص) یخرج فی آخر امتی المهدی یسقه الله الغیث و یخرج الارض نباتها و یطعی المال صباحا و تكثر الماشیه و تعظم الامه ینغش سبعاً او ثمانیاً یعنی حجاً فرمود در آخر زمان که مهدی خروج می‌کند خداوند زمین را از آب باران سیراب می‌کند و نباتات و محصولات زمین افزوده می‌گردد حیوانات توالد و تناسل بسیار می‌نمایند مردم و ملت‌ها بزرگ می‌شوند و در کمال عیش و نوش خواهند زیست.<sup>۱</sup>

### مهدی جهاد می‌کند تا دین را زنده گرداند

در روایت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید کودکان با عقرب و مار بازی می‌کنند و اذیت نمی‌بینند نوزده حدیث از فریقین نقل شده که مهدی آل محمد(ص) در حین ظهورش شمشیر می‌کشد و دشمنان دین را آنقدر می‌کشد تا بینی گردنکشان را بخاک بمالد و زمین را از لوٹ شرک و جور و ظلم پاک نماید.

حضرت محمد با دشمنان دین بر تأویل قرآن جنگ می‌کند همانطور که جدش رسول خدا(ص) با دشمنان دین بر تنزیل قرآن جنگ و جهاد فرمود.

۱ - مستدرک علی الصحیحین ص ۵۵۷ ج ۴ - کشف الاستار از عقد الدرر بنقل منتخب الاثر ص ۴۷۴

جعفر بن محمد بن سرور باسناد خود از ابی عبدالله نقل می کند که فرمود:

القائم لم يظهر ابداً حتى يخرج و دايع الله عز و جل فاذا خرجت ظهر على من ظهر من اعداء الله عز و جل فقتلهم.

در حدیث مظفر بن جعفر این عبارت را روایت کرده:

فاذا خرجت فيقتل الكفار و المنافقين<sup>۱</sup>

مهدی با کسی پیمانی ندارد.

در اینکه مهدی پیمان کسی را بعهدہ ندارد و در مقابل هیچ فردی میثاق و تعهد و بیعت ندارد ده حدیث روایت شده.

علی بن الحسین باسناد خود از ابی عبدالله (ع) روایت می کند که فرمود:

يقوم القائم و ليس في عنقه بيعه لاجد

مهدی قیام می کند در حالیکه در گردن او بیعت کسی نیست تا مجبور باطاعت و

رعایت شود و لذت قانون اسلام را کاملاً اجرا می فرماید و دین را زنده می کند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - ینا بیع الموده ص ۴۳۲ - غایه المرام - کفایه الخصام  
<sup>۲</sup> - غیبت نعمانی - اثبات الوصیه مسعودی منتخب الاثر ص ۲۸۹ - الزام الناصب - المهدي



مهدی خفی الولاده است

در اینکه مهدی امت و قائم آل محمد(ص) ولادتش پنهان و در خفا می باشد سالها قبل از میلادش این خبر بتواتر نقل و ۱۴ حدیث از طرق مختلف روایت شده است.

ابوعبدالله خزاعی از محمد بن ابی عبدالله کوفی باسناد خود از حضرت عبدالعظیم حسنی(ع) روایت می کند که بحضرت محمد بن علی بن موسی عرض کردم من امید دارم اینکه قائم از اهل بیت محمد (ص) باشد و زمین را از عدل و داد پر کند پس از جور و ظلم؟! و

فرمود یا ابوالقاسم ما منّا الا قائم بامر الله و هاد الی دین الله و لكن القائم الذی یظهر الله به الارض من اهل الکفر و الجحود یملاءها عدلاً و قسطاً هو الذی یخفی علی الناس ولادته و یغیب عنه شخصه و یحرم علیه تسميته هو سمی رسول الله و کنیه و هو الذی یطوی له الارض و بذله له کل صعب یجتمع الیه من اصحابه عدد اهل بدر ثلاثمائة و ثلثه عشر رجلاً من اقصى الارض و ذلک قوله عز و جل :

اینما تکنونوا یأت بکم الله جمیعاً - ان الله علی کل شیء قدير فاذا اجتمعت له هذت العده من اهل الارض<sup>۱</sup> اظهر امره فاذا کمل له العقد<sup>۲</sup> و هو عشره الاف رجل باذن الله فلا یزال یقتل اعداء الله حتی یرضی الله تعالی.

فرمود ای ابوالقاسم حسنی از ما نیست کسی جز اینکه قیام بامر الهی میکنیم و دین خدا را زنده می‌نمائیم و لیکن قائم مشهور و معروف ما کسی است که زمین را پاک از کفر و شرک می‌نماید و پرمیکند زمین را از عدل و داد او ولادتش بر مردم پنهان است و از چشم مردم غائب میشود حرام است نام او را کسی ببرد) برای آنکه دشمن زیاد دارد) او همانم رسول خدا و کنیه او کنیه پیغمبر است او کسی است که زمین زیرپایش جمع میشود و درهم پیچیده میگردد یعنی طی الارض دارد او آدم سخت و منکر را ذلیل و زبون میسازد.

اصحابش ۳۱۳ نفر خواهند بود که از دورترین شهرها همه جمع میشوند و مفهوم آیه مبارکه، میفرماید هر کجا باشند بسوی تو تجمع میکنند چون این عده حاضر شدند ظاهر میگردد و خروج میکند و ده‌هزار نفر از خواص دوستان اطراف او حاضر میگرددند آنگاه قیام بشمشیر میکند و دشمنان را میکشد تا خداوند از او راضی میگردد حضرت عبدالعظیم میفرماید عرض کردم ای سید و آقای ما آن حضرت چگونه می‌فهمد

خداوند از او راضی خواهد شد- فرمود:

قال یلقى الله فی قلبه الرحمه - خداوند رحمت خود را در قلب او می‌تابد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> - کفایه الاثر بنقل منتخب الاثر ص ۲۸۶ کمال‌الدین و غایه المرام و احتجاج طبرسی و غیره .

### جعفر کذاب کیست؟<sup>۱</sup>

جعفر پسر امام علی النقی (ع) برادر امام حسن عسکری است چون از جعفر پرسیدند این جوان کی بود که تو را از نماز عقب راند گفت من او را نمی‌شناسم و البته این جواب از روی کینه و حب‌جاه بود و از جواب جعفر مردم گمان کردند امام حسن عسکری (ع) اولاد ندارد مگر آنهاییکه از محضر فیض پرورقائم آل محمد (ص) بهرمنند شده بودند جعفر زمینه را حاضر دید برای ادعای امامت خود خواست بجای برادر بنشیند مردم و دوستان خاندان آل محمد (ص) بعبادت سابق همه روزه میامدند نزد جعفر تا از او مسائل حلال و حرام بپرسند و در مناقشات خود از او که خود را خلیفه خوانده داوری بخواهند و از او اخبار غیب را می‌خواستند جعفر نادان عاجز شد و از مسند خلافت برخاست گفت مردم از ما علم غیب می‌خواهند و غیب را نمی‌داند جز خداوند عالمیان از او پرسیدند چگونه پدر و برادرت جواب مردم را می‌دادند و مشکلات آنها را حل می‌نمودند می‌گفت افترا می‌بندید بر آنها این کلمات تابجا از جعفر چگونگی او را بر مردم ثابت کرد و فهمیدند که او خود را بزور می‌خواهد بر مسند خلافت بنشانند - جعفر دید اوضاع برخلاف منظور او پیش می‌آید بدیدن خلیفه

۱- منتقم حقیقی زندگانی صاحب الزمان - تألیف حسن عمارزاده -  
صفحة ۲۲۴ .

رفت و گفت سالی فلانقدر بدیوان اعلا تقدیم می‌کنم که خلافت مرا حفظ کند و همچنانچه مردم بنزد پدر و برادرم می‌رفتند و مشکلات زندگی آنها حل می‌شد و در امور مهمه و مسائل حلال و حرام بهره‌مند می‌شدند در نزد من آیند و از من سؤال کنند- از این تقاضا محرز شد که جعفر علاوه بر نادانی و دروغگوئی جنون هم دارد و خیال می‌کند مقام امامت و ولایت بگرد آمدن مردم و نشستن بمسند ولایت صورت‌پذیر است خلیفه گفت اگر تو قابلیت داری بنزد تو خواهند آمد و اگر نه بیهوده صرف وقت مکن - جعفر از این در هم نتیجه نگرفت پس از آن آمد ادعای ارث کرد گفت برادرم اولاد نداشته و اموال بمن میرسد و دارائی امام حسن عسگری(ع) را میان خود و مادر قسمت نموده برد.

خلفای بنی‌عباس شنیده بودند که حضرت حسن فرزندی دارد که ظاهر میشود و سلطنت را از همه میگیرد و بر جهانیان تسلط می‌یابد در مقام بر آمدند او را پیدا کنند و بقتل رسانند عدهٔ بخانه آن حضرت فرستادند و تفتیش نمودند کسی را نیافتند و بعضی از کنیزان آن حضرت را گرفته حبس نمودند و بشکنجه و عذاب انداختند تا بلکه از آنها امام زمانرا سراغ نمایند و او را دستگیر کنند و یا شاید اثر حملی در آنها یابند غافل از آنکه آن کسی را که دست قدرت برای پیشوائی میلیونها بشر بوجود آورده در تحت حفاظت خود نگهداری خواهد فرمود و مثل او مثل موسی بن عمر است.

صدهزاران طفل سر ببریده شد

تا کلیم الله صاحب دیده شد

عده دیگر را فرستادند به منزل آن حضرت که هر کس را ببیند بکشند چون داخل خانه شدند دیدند پرده آویخته است پرده را بلند کردند دیدند خانه پر از آب و جوانی حصیری بر روی آب انداخته بروی آب مشغول نماز است آنان هر قدر صحبت کردند و سؤال نمودند جواب نشیدند یکی از غلامان خلیفه جسورانه خود را بآب زد که او را بگیرد غرق شد فریاد برآورد او را گرفته نجات دادند دیگری هم بر این خیال بود که نفر اولی عبرت شد و منصرف گردید چون این کرامت را دیدند عذر خواستند ولی آن جناب اصلاً التفاتی نفرمود این جریان را به خلیفه گزارش دادند آخر باخفاء آن نمود دیگر معترض نشدند مدتی گذشت خلیفه (معمدعباسی) مرد و کنیزان و زنانرا از زندان رها کرد این زندگی که خانه نشینی بود از آن بغیبت صغری تعبیر نمودند و خواص مردم و دوستان بخدمتش آمده از محضرش بهره مند شدند و همگان از برکت وجود آن حضرت و افاضات علمی او آگاه می شدند.<sup>۱</sup>

و کسانی که مشرف به فیض حضورش شده اند بسیارند در زمان حضرت عسکری بیش از شصت نفر بزیارت آنحضرت مشرف شده اند که اسامی هر یک با زمان و کیفیت زیارتشان و روایات آنها ثبت است و بعد از رحلت پدرش متجاوز از صد نفر تشریف

۱ - خلفای معاصرین او در غیبت صغری - معتمد عباسی تا ۲۷۹  
معتضد تا ۲۸۹ مکنفی تا ۱۹۵ مقتدر ۳۲۹ محمد قادر ۳۳۲

حضور یافته‌اند و مفتخر به کسب علوم و مسائل شده‌اند که در احتجاج طبرسی ثبت شده.

### مزار و ملجاء حضرت مهدی(ع)

پس از آخرین ملاقات از جامعه در خانه یا در سردابه سرمن رای در سامره ناگاه بیرون رفت و از درب خانه از نظر دشمنان پنهان شد و آنهایی که در مقام کشتن او بودند با هر چند تفحص و جستجو او را نیافتند.

خبری در دست است که از رسول خدا(ص) روایت می‌کنند فرمود آن خدائی که موسی را از دست فرعون در دریای نیل و مرا از دست قریش در غار محافظت فرمود فرزندان مهدی را که زنده‌کننده دین اسلام است از چشم دشمنان بوسیله غیبت محافظت می‌فرماید غیبت نیکوترین طرز محافظت جوان پنج و شش ساله بود و غیبت او در سردابه سرمن رای که راهی بارگاه پدر و جدش و در حقیقت خانه‌ای بود که در آن نشو و نما یافته بهترین پناهگاه آن طفل گشته و بعلاوه برای آن در آن محل پنهان شد تا مردم دنیا را متوجه بارگاه دو پیشوای بزرگ پدر و جدش بنماید و در آنجا را نقطه حساس التجاء و پناهگاه میلیونها نفر دوستاران و زائرین قرار دهد - آنجا که قبله دوستی و مطاف و پناهگاه شیعیان است اگر چه در همه جا ظاهر و حاضر ولی باید

بطرف آن آستان قدس و آن ساحت و بارگاه مقدس دست توسل و استشفاع زده  
آزادی دنیا و رستگاری آخرت را از آن عالم وجود خواستار شد.

### تجسس و تفحص

خلفای بنی عباس و درباریان که همه بتواتر شنیده بودند از اولاد امام حسن عسکری  
فرزندی خواهد آمد که شرق و غرب عالم را خواهد گرفت و حکومت جور و ظلم را  
متزلزل خواهد نمود از جعفر هم که درخواست کمک برای مقام خلافت و نیابت کرده  
بشک افتادند و جواسیس و بازرسانی برای تفحص و تجسس بخانه حضرت عسکری  
فرستادند که اگر فرزند پسری دیدند او را دستگیر نموده بکشند و نابود نمایند  
دسته دسته مفتش و بازرسان در خفا و پنهانی و کارآگاه اداره شرطه خلافت عباسی در  
سامراء اطراف خانه و مولد و مسکن امام را زیر نظر گرفتند و از خدمه و نوکرها و  
کلفتها که بخانه وارد می شدند بصورت یک دوست محب و مشفق تحقیق می کردند تا  
ناگهان وارد برخانه حضرت عسکری شده پرده را بالا زدند دیدند کودکی حصیری  
روی آب انداخته بنماز مشغول است و آب همه فضای خانه را گرفته هر کس خواست  
وارد شود بآب غرق شد خبر بدربار خلافت دادند دستور داده شد که اینخبر را مخفی  
و مکتوم دارند.

اما همین موضوع شهرت یافت و کسانی از خواص درمقام زیارت آنحضرت برآمدند بسوی سامرا و از نواب اربعه و کسانی که امام را در زمان پدرش دیده بودند و از اقوام و خویشان و خاندان و اقارب و نزدیکان و غلامان و کنیزان استسفار می کردند و درمقام زیارت امام برآمده حرص و ولعی در این ملاقات نشان می دادند.

در بحارالانوار علی بن سنان موصلی از پدرش روایت می کند که چون امام حسن عسکری از جهان رفت دسته دسته از قم و سایر شهرها اموال و اثاثیه و وسائل و مسائل خود را برداشته بطرف سامرا می شتافتند و در بین راه از آنها خبر شهادت امام حسن عسکری را شنیدند حیران بودند که امور روحانی و دینی آنها را کی رتق و فتق خواهد کرد تا به سامرا رسیدند و از احوال امام حسن و خلیفه و فرزند پس از او پرسیدند یکدسته گفتند او اولاد نداشت و برخی گفتند برادرش جعفر جانشین او شد.

چون تربیت شدگان مکتب اسلام و شرایط امامت را خوب می دانستند دیدند جعفر واجد شرایط نیست در مقام پیدا کردن امام و حجت پس از او برآمدند. تا خبر رحلت امام و جانشین را بدین شرح برای آنها بتواتر نقل کردند.



کسانی که اظهار مهدویت کرده‌اند چه شخصیتی داشته‌اند.<sup>۱</sup>

در نهاد آدمی صفاتی هست که گاهی در انسان تأثیر کلی کرده و بر انسان تسلط یافته سایر قوای مادی و معنوی را تحت الشعاع خویش قرار می‌دهد و واقعاً گاهی انسان مقهور یکی از گزینه‌های طبیعی گشته و دیگر راه فرار از چنگاب آن ندارد- این صفات عبارتست از: حرص - آز - عشق - ترس - جاه‌طلبی - حسد - آمال و آرزوهای بلندی که نسبت آن با موفقیت فامیلی و محیط بعضی افراد خیلی متفاوتست و خواهی نخواهی همیشه آدمیرا ناراضی داشته و هر دم سینه پر جوش خود را با ناخن حسرت و ندامت و محرومیت از شاهد آرزو می‌خراشد و می‌خروشد و او از خلق ناراضی و خلق هم از اخلاق تند او نگران - غرور و تکبر از این دسته است - خودپسندی و خودخواهی بسیاری دیگر از این صفات که هر یک آن تا از حد اعتدال خارج شد آدمب را به نیستی راهنمون می‌سازد و انسان سست‌اراده که تحت تأثیر این قوا واقع شد بدست خود ریشه هستی را می‌کند و از خود می‌کاهد تا از بین برود هر یک از خوانندگان این کتاب به چشم خود بسیاری را دیده‌اند که مضداق این معنی واقع شده طومار هستی خود و فامیل خویش و گاهی جامعه را فدای این رذیلت کرده‌اند.

۱- منتقم حقیقی زندگانی صاحب الزمان - تألیف حسن عمارزاده -  
صفحه ۲۸۰.

برخی مردم مقهور قوه امساک و بخل شده به هیچ وجه حقوق حقه اولاد و عائله و اقوام و ارحام و خویشاوندان و حقوق همسایگان- و مساکین- ایتام- ذوی القربی- نپرداخته غاصب حقوق آنان هستند و تمام کوشش خود را صرف جمع کردن مال و اموال و ازدیاد آن نموده‌اند - غالب دیده شده این اشخاص کسانی هستند که بر فرایض و عبادات مستحبه مواظبت کرده- از اذیت و آزار بنوعی خودداری نموده و همیشه در راه احتیاط قدم گذاشته دارای بسیاری از فضایل هستند ولی تنها این صفت رذیله تمام فضایل آنان را پنهان داشته و یکان‌یکان مردم با نظر غضب و تنفر بر صاحب این رذیلت می‌نگرند و هیچ متوجه آن نیستند و نمی‌توانند باشند از جمله این رذیلت‌ها که گاهی آدمی را مقهور حملات خود می‌نماید صفت طمع است و راستی صفت نحس و پستی است اکثر مردمان طماع ولو دارای فضائل ملکوتی هم باشند در نظر حقیر و پست می‌شوند ایندسته کسانی هستند که بحق خود قانع نشده و ایمان راسخی نداشته بمال و منال و مقام دیگران طمع می‌کنند بخیالی که شاهد آمال را در آغوش گیرند بسیاری را دیده و شنیده و خوانده‌ایم که حیثیت و شخصیت ذاتی خود را فدای این رذیله نموده‌اند و ابواب افتضاح و بی‌آبرویی را بر روی خود و فامیل خویش باز کرده و گاهی با طمع بمقام دیگران زبان طعن و لعن و دشنام جامعه را برای همیشه بسوی خود گشوده‌اند. یکی دیگر از این رذائل طبیعی قوه خیال و فکر است که

بسا می‌شود آدمی بیکار شده فکر می‌کند اگر از سایه تپه‌ای که بنظر غلط‌پرور او آمده پلنگی بیرون آمد و باو حمله نمود چه خواهد کرد- یا اگر در خرابه‌هائی گردش کنم و گنجی پیدا نمایم چه سعادت‌مند شده‌ام و گاهی فکر می‌کند اگر مانند یک پیشوائی دعوی هدایتی نماید مقاماتی برای او ایجاد می‌شود و مردم هم دور او جمع شده و روح حاکمیت یافته و رئیس قومی می‌گردد<sup>۱</sup> و این فکر یکطرفی است که جنبه معارض آن را در نظر نمی‌گیرد که ممکن است در نتیجه دعوی باطل و دروغ و نداشتن حقیقت موفق نشود و اگر هم شد پایدار نماند اگر هم مدتی پایدار ماند برای اثبات حقیقت دیگریست که برآستی پیشوا و هادی جامعه است و از امثال این خیالات واهی بسیار دارند این قوه گاهی بر آدمی غلبه می‌کند که چرخ افکار و عقول را سست و بجنون می‌کشاند و غالب این تفکرات از غیر راه عادی و یکطوری شروع می‌شود که هیچگاه در عالم وجود خارجی باین خصوصیات خیالی پیدا نمی‌کند و فرق بین فکر صحیح و خیال واهی همین است.

حاجی سبزواری در منظومه حکمت خویش می‌فرماید:

الفکر حرکت من المبادی و من مبادی الی المرادی

۱ - در دوره ما منصب وکالت که برای احراز کرسی آن از بذل هر چیز دریغ نمی‌دارند از این نمونه است چه بسا خونها که برای نیل باین مقام ریخته شود و چه بسا حقوقها که پایمال گردد.

فکر صحیح آنستکه از مبدء صحیح با راهنمایی از عقل در شاهراه هدایت حرکت کرده و بسوی مقصد خویش رفته و برگشت نماید و حالی که سعادت حقیقی و موفقیت آدمی را در برداشته باشد.

در این اوراق ما بر آن نیستیم که در این زمینه صحبت کنیم در کتاب (انسان و زندگی) از طرف نگارنده این نکات مورد بررسی واقع شده - در اینجا باید ناگفته نگذاشت که بیان این مقدمات برای نتیجه ایست که بزودی گرفته می شود یکی - طمع و خیال یا حرص و آز و خیال - یا حسد و خیال و بسیاری دیگر که در هر حال آن غریزه طبیعی پستی که در نهاد آدمی ریشه میدواند بوسیله قوه فکر و خیال واهی آبیاری و تقویت شده و حملات آنها از چهار سو آدمی را تحت فشار گذاشته و چنان تحت تأثیر قرار می دهند که انسان نادان کم کم خیال می کند راستی حقیقتی است که از گریبان او سر بدر کرده و ایمان محکمی به آن پیدا می کند.<sup>۱</sup> بدون هیچ اغراق و مبالغه کسانی که اظهار مهدویت کرده اند اشخاصی هستند که موقعیت و شخصیت آنها خوب نبوده از لحاظ فامیل و محیط داخلی هم امیدی برای شکفتن غنچه آمال خویش نداشتند و تربیت آنها هم تربیت علمی و اخلاقی نبوده - احساسات تند آنها از طرفی و تمایلات مادی آنها که در نتیجه فشار حملات - حباب - روح حاکمیت و ریاست - حرص بر

<sup>۱</sup> - اکثر این مردم که مدعی مقامی شدند در نتیجه تصادف با سیاست خارجی بوده ك خودشان هم باور کرده اند.

جمع کردن مال - طمع بمقام دیگران و محرومیت از آن - تنگی معشیت و زندگی - قوت فکر و خیال واهی و بسیاری دیگر از این گونه صفات از طرف دیگر آنان را وادار ساخته که برای واجه شدن آنچه که فکر آنها وجود آن چیز واهی را سعادت و فقدان آن فکر موهوم را شقاوت میدانند قد برافراشته تا بکشش و کوشش شاهد موفقیت را در آغوش گیرند. صفات تاریخی زندگی این اشخاص بخوبی شاهد بر گفتار ماست تا اینجا سرحدی است که بسیاری از افراد آدمیان با وجود این صفات قد برافراشته و طالب آنچه هستند که فکر آنها وجود آنرا موجب سعادت و رستگاری دانسته و فقدان آن را موجب شقاوت و بدبختی ولی اکثریت این دسته بمقامات مادی دیگران و شرکت در آن و دخالت در امور و گرفتن رشته از دست مقامداران و صاحب منصبان و تعدی بمال توانگران قناعت کرده و شاهد آمال آنها که عبارت از خانه و زندگی و تجمل یا ریاست یا حاکمیت یا جاه و مقام بوده در آغوش گرفته‌اند عدۀ انگشت شماری از این اشخاص با قدرت همان صفات نامبرده مواجهه با تأثیر محیط جهالت هم گشته و طمع بمقام روحانیت و مشعلهداری و پیشوائی کرده و گروهی را مانند خویش ولی از جهت فکر و شخصیت بسیار ضعیف‌تر در اطراف خود به افکار واهی و خیالات موهوم سرگرم داشته و آنها را بوعده و وعید دلخوش ساخته - کیف شکم آنها را نیز ساز کرده و خود در آن شرکت جسته اندک اندک از یک موقعیت

خطیری استفاده‌های مادی بحد کمال نموده در مقام مدعای خود از یک دسته دانشمند گرسنه که همیشه در دنیا در تمام زوایای عالم وجود دارند تطمیع بمال و مقام و افکار و دانش آنها استفاده کرده و دلایل و براهینی از همان افکار برای اثبات مدعای غلط خود اقامه و به اطرافیان و هواخواهان خویش مدارک آسمانی وانمود ساخته است.

آری

سخن زلب چه درآید که میتواند گفت      که این حقیقت محض است یا که

صرف مجاز

پاسی نگذشته دانشمند گرسنه بقدر کافی از توده جاهل بهره و نصیب گرفته و از راهنمایی مجاز خویش منصرف و بر گفته‌های سابق خود ردی نوشته و خود را بعلت تنگی معشیت و اضطرار تبرئه ساخته و لو مورد تخطئه دیگران هم واقع شده باشد و همان راه حقیقت خود را که شاید در زمان استخدام طمعداران هم در پنهانی می‌پیموده تعقیب نموده است. در نتیجه روشن شد که دعوی مهدویت برای کیف شکم بوده و جز آن چیزی نیست البته آن حقیقتی که باید سطح افکار بشری را از مزبله طبیعت باوج ارتقاء انسانیت راهنمون سازد باید آئین آسمانی بوده و مؤید از طرف خدا باشد.

وگرنه:

گیرم که مار چوبه کند تن بشکل مار      کو زهر بهر دشمن و کو مهر بهر

دوست

هیچگاه مجاز بجای حقیقت نخواهد رسید - اگر چندی صورت زیبای حقیقت در  
پس ابرهای تاریک جهالت پنهان گشت بالمآل روزی فرا رسد که چهره دلگشای خود  
را از گریبان ظلمانی ابر جهالت بدر کرده و بنور خویش جهانیان را دلخوش و  
سعادت‌مند گرداند - آری

سحر با معجزه پهلو نزند دل خوش‌دار      سامری کیست که دست از یدو

بیضا ببرد

آن کسانی که اظهار مهدیت کرده تاکنون بالغ بر شصت نفر بوده و باید صرف نظر از  
فضایل ملکوتی و سجایای آسمانی صرفنظر از بی‌نیازی بدنیا و مال و منال آن باید  
روح سلطه و اقتدار آن بزرگان و دانشمندان گیتی را از روی حقیقت نه مجاز در  
پیشگاه خویش خاضع و خاشع ساخته بزانو درآورد و با آن روح آسمانی جهانگیران  
عالم را با آنهمه سطوت و عظمت از روی واقعیت در آستان خود با طاعت آرد - تا  
بزودی بر تمامی عالم تسلط یافته روح وحدت و یگانگی را در میان جهانیان تزریق و  
تعلیم فرماید و این کار هر شکم‌پرست جاه‌طلبی نیست که مقهور صفات ترس و طمع  
است.

در این اوراق ما بر آن نیستیم تا اسامی کسانی را که اظهار مهدویت کرده‌اند برشماریم و کتبی که در رد آنها از خود آنها نوشته شده با قید خصوصیات بیان نمائیم زیرا چه بسیار کتبی نوشته شده که ما فقط باسامی نویسندگان آن قناعت می‌کنیم و آنها را کافی است که در راه ضلالت و گمراهی این اشخاص و دیگران افتاده‌اند.

راستی کسانی که پهلو به پهلو مقامات عالیه آسمانی زده و تهی‌دستند قابل ذکر و همدوش رجال کتب تاریخ نمی‌باشند و تا آن حدی هم که مورخین و تذکره‌نویسان مقید شده‌اند نه برای اهمیت و شخصیت طمع‌کاران باین مقام است بلکه برای آنست که توده جاهل را متنبه ساخته و آنها را آگاه سازند که شکم‌پرستی با خداپرستی منافی است و برای کیف شکم نباید مطیع افکار موهومه شد که جامعه‌زا گمراه و بضالت و سرگردانی متزلزل می‌سازد آنهایی که مشعله‌دار هدایت جامعه شده‌اند از طرف خدا منصوب و مؤید در تمام شئون زندگی افضلیت و برتری بر افراد جامعه دارند و حقیقت گفتار آنها بهترین شاهد مدعای آنهاست و هیچگاه مانند آنهایی که بدروغ دعوی کردند و هزار دعوی متناقض نمودند هرگز یک لحظه و آنی تزلزل در عقیده و اراده‌شان راه نیافته و نویسندگان متوجه این معنی هستند اشخاصی که مقهور سرپنجه رذائل و حملات افکار شده‌اند تا آن حدی که برای موفقیت خیالی خود باموال و حقوق دیگران تعدی و تجاوز کرده‌اند چه خیانت و جنایت بزرگی را مرتکب شده‌اند



و آنها غافل هستند که برای چهار روز شکم‌پرستی یا جاه‌طلبی و حاکمیت در پیشگاه عدل خدا بازخواست خواهند شد و چگونه از عهده آن خواهند برآمد و بالاتر از آن کسانی که طمع را بمنتها درجه رسانده و بمقامات عالیه آسمانی پیغمبران و اولیای خدا دست خیانت دراز کرده و مشعله هدایت که بزرگترین وظیفه و مخصوص پیغامبران و اولیای خدا است به خیانت در دست گرفته و خود را بآن لباس آراسته که هیچگاه از عهده آن برنخواهند آمد و نتیجه آن جز گمراهی و ضلالت و سرگردانی و اغوای توده بیچاره جاهل نیست این طمع از بزرگترین گناهان بشمار میرود و کیفر آن با کیفر جنایت و خیانت مادی خیلی متفاوت است زیرا هر فردی از افراد آدمیان که گمراه شد و از شاهراه حقیقت و هدایت پیغمبران منحرف گشت در پیشگاه عدل خدا بتظلم خواهد قد برافراشت و از این مغلطه و گناه بزرگ خدا را بدآوری و خود را بدادخواهی و پیغمبران را بشهادت در محکمه او خواهد خواند، و چه مقدار بیشماری از این مردم هستند.

آیا یک آدم عامی که عمری را بجهالت و پیروی یک پیشوای شکم‌پرست گذارنده و بکلی از منظور پیغمبران آسمانی و اولیای خدا دور افتاده چگونه زندگی آن جبران میشود حق این شخص که خود و عائله و فامیل خود را از حقیقت دور انداخته جبران

میگردد و کیفر آن از کسیکه بدروغ دعوی مهدویت کرده بچه نوعی گرفته خواهد شد؟ این وظیفه محکمه عدل الهی است.

پیروان این دسته و دسته‌های دروغگو و دکاندار و شکم‌پرست و آنهایی که هواخواهانی باطراف خود گردآورده و از راه طمع بمقامات عالیه آسمانی و مشعلهداری و امور معنوی می‌خواهند اعاشه خود را برگزار کنند دیده و می‌بینیم صددرصد افرادی هستند که در دامان پدر و مادر بزرگ نشده بلکه سرراه‌ها و گذرها نشو و نما یافته یا از توده جاهل بوده آنها را بعقیده دروغ و تربیت غلط خویش سپرده و تربیت نموده‌اند یا از اشخاصی که زوایای قصبات و دهات شهرهای کوچک مسافرت کرده و با اولین برخورد با این دسته مردم تصادف نموده یا آنهایی که تغییر مسلک داده از قبیل جهودان که در تغییر مسلک با بی‌وبهائی شده‌اند یا رعایا و الوار و ایلات که از بلا تکلیفی و بی‌مسلکی درویش گشته‌اند یا جوانان تحصیل کرده مسافرت نموده از همه چیز بی‌اطلاع که تربیت دینی ندارند و دهری شده پشت پا بر همه عقاید و افکار میزنند بالجمله کلیه این مسلک‌ها بدست دکاندارها و جاه‌طلبها اداره شده و هواخواهان آنها اکثر مردم بیگانه از همه جا و همه چیز بوده و همیشه این توده با افکار پست و روح خمود و بی‌اراده بوده و هیچگاه در میان آنها یک نابغه - ژنی - منورالفکر - تحصیل کرده تعلیم دینی و مذهبی یافته یافت نشده مگر یک نفر دو نفر در هر مسلک آنهم

برای کیف شکم و بالنتیجه مردان روشن فکر فعال با شخصیت در تمامی این مسلک‌ها وجود ندارد این اشخاص فاقد اراده راسخ هستند. روح آنها متوجه بر مادیاتست- سطح افکارشان از اجتماعات خودشان بالاتر نمی‌رود نهایت آرزوی آنها جمع شدن گردهم و تشکیل محافل فامیلی است که خود و خاندان خود را از راه صمیمیت و تابعیت در اختیار یکدیگر بگذارند هیچگاه خدمت بنوع از آنها صادر نمی‌شد و اکثر تراوشات بمنظور و استفاده‌های شخصی بین خودشان است آثار برجسته که کمک بنوع وضعفا باشد از آنها دیده نشده - مسجد- کاروانسرا- پلها - سقاخانه‌ها - مریضخانه‌ها - خیرات - مبرات- احسان- نیکوکاری غیر از تعارفات بین خودشان هیچ دیده و شنیده نشده- طبع پست- گدامنشی- فکر خمود- روح کوچک- افکار کوتاه- حرص بر ازدیاد مال- طمع بمال و مناصب دیگران اکثر در این افراد دیده می‌شود و اگر هم یکنفر واقعاً مدتی به خطا رفته بزودی متنبه شده و شاهره حقیقت را در یافته و بسوی سعادت شتافته است.

### مدت سلطنت - وسعت کشور- شهادت حضرت مهدی (عج)

از اوراق سابق معلوم شد امام زمان حضرت مهدی ابن حسن عسکری اصلاحات اساسی در کشور خواهد نمود. تمامی ادیان و ملل و نحل را بیک دین و مذهب برمی‌گردان و

پرچم عدل و علم و عقل را درمیانه ربع مسکون خواهد برقرار فرمود- تمام شهرهای کشور- قاره‌ها - جزائر خشکی - دریاها و بالتیجه تمامی‌امکنه مسکونی بشری در تحت فرمان و پادشاهی او اداره خواهد شد و پرچم مهدویت بر فراز کشور هستی کره خاک در اهتزاز خواهد درآمد دنیا امن و امان خواهد گردید- دیگر ظلم و جور نخواهد داد- نور عدالت مهدویت تمام روی زمین را روشن خواهد ساخت و ظلمات کفر و فسق و جور و شرک و ارتداد برطرف شود.

#### مدت سلطنت

از روز ظهور تا روزی که بدست یک زن فاسقه‌ای به شهادت می‌رسد از ۷۰ تا ۴۰ سال و در خبر ۳۰۹ سال بعد لبث اصحاب کهف در غار نوشته‌اند که پادشاهی نماید و خبری دیگر در دست است از رسول الله (ص) که فرمود همانطور که در طول ۸ سال اسلام بدست من بر مردم دنیا ابلاغ شد و توسعه یافت مهدی قائم ما هشت سال دین اسلام را زنده نماید. احکامی را که مردم فراموش کرده‌اند بموقع اجرا گذارد و مردمی تربیت نماید که نمونه حقیقی اسلام باشند.

#### شهادت

در آخر زمان همان خبر که مدت سلطنت را ۳۰۹ سال می‌نویسد می‌گوید روزی از کوچه‌ای از کوچه‌های کوفه عبور می‌فرماید زنی از زنان کوفه چیزی از بالای بام بر فرق مبارکش فرو اندازد و بدان سبب بدرجه رفیعه شهادت نائل گردد. داخل منظوقه مامنا الامسموم او مقتول گشته و چون امام را جز امام غسل ندهد بمضنون لا یمسه الا المطهرون حضرت حسین (ع) رجعت فرماید و امام زمان را غسل داده و کفن و دفن فرماید.<sup>۱</sup>

### محل سکونت حضرت مهدی (ع)

مجلسی در مزار بحار می‌نویسد چون حضرت مهدی (ص) ظهور فرماید در کوفه نمازی می‌گذارد و مردم عرض می‌کنند جای ما تنگ است بطرف نجف آرامگاه مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) جد بزرگوارش تشریف می‌برد و کوفع را محل حکومت و قشون قرار می‌دهد مسجد سهله را مخزن بیت‌المال و دوستان و شیعیان و اهل او در نجف خواهد بود.<sup>۲</sup>

### وسعت ملک

۱ - نورالانوار - تاریخ طبری  
 ۲ - تاریخ نجف ص ۱۱ - مزار بحارالانوار - المهدی ص ۱۱۱

ابن عباس روایت می‌کند از حضرت علی(ع) که فرمود وسعت ملک مهدی بقدر مملکت سلیمان و ذوالقرنین از مؤمنین و باندازه مملکت بخت‌النصر از کفار و اخبار متعددی صادر شده که میدان امارت و سلطنت حضرت مهدی(ع) از مشرق تا مغرب عالم است.

### مهدی و سلطنت وی

چنانچه در آغاز سخن گفتیم مهدی از وزرای دولت الهیه است که سر حلقه امام بدست حضرت خاتم النبیین است و ائمه دین حجت خدا در ازمنه مختلفه می‌باشند وجود ولی عصر برای سلطنت الهه در روی زمین دخیره شده و او مانند سلاطین بزرگ جهان حکومت می‌کند چنانچه از پیغمبر(ص) چنین روایتی در دست است که عبدالله بن عباس روایت می‌کند که فرمود پادشاهان روی زمین چهار نفرند دو نفر مؤمن و دو نفر کافر دو نفر مؤمن ذوالقرنین و سلیمان بوده‌اند و دو کافر بخت‌النصر و نمرود بود و مردی از فرزندان من صاحب وسعت سلطنت آنها خواهد شد.

در روایت دیگر است که مهدی مشرق و مغرب عالم را خواهد گرفت - یعنی سلطنت او در شرق و غرب کران تا کران سطح مسکونی زمین را فراخواهد گرفت و مانند حضرت سلیمان بر جمیع آبها و حیوانات و طیور و وحوش و پرندگان و خزندگان و جن و انس سلطنت خواهد داشت و مانند ذوالقرنین ظلمات را نیز برای او مسخر

خواهد کرد و نیست از روی زمین نقطه‌ای مگر آنکه زیر نفوذ حکومت مهدی قائم

آل محمد (ص) درآید و وسعت حکومت او را از شرق تا غرب همه مورخین

نوشته‌اند.<sup>۱</sup>

## فصل هفتم

منجی آخرالزمان  
از دیدگاه ادیان الهی



ادیان و حضرت مهدی (عج)<sup>۱</sup>

با تحقیق و جستجو در کتب ادیان و مذاهب آسمانی به این نتیجه قطعی و مسلم می‌رسیم که اعتقاد به آینده نیک و روشن برای جهان و عقیده به پیروزی حق بر باطل اختصاص به مسلمانان ندارد بلکه سایر ادیان و مذاهب نیز در این عقیده با مسلمین شریک می‌باشند حال به نمونه‌هایی اشاره می‌نماییم.

## ۱- منابع زرتشتی

در «زند» که کتاب مذهبی زرتشتیان است، درباره انقراض اشراک و وراثت صالحان آمده است:

لشگر اهریمنان با ایزدان (طرفداران ایزدان) دایم در روی خاکدان، محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد اما نه به طوری که ایزدان را محو و منقرض سازند؛ چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد - که خدای آسمان است، به ایزدان، که فرزندان اویند، یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد، آنگاه پیروزی بزرگ از آن ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارد ...

۱- سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سید محمد رضا طباطبایی نسب - صفحه ۱۸ .

و در «جاماسب نامه» نقل شده است:

مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم، مردی بزرگ ساق و بزرگ سر و

بزرگ تن و بر دین جد خویش بود ...»

و در جای دیگر این کتاب آمده:

سوشیانس (نجات دهنده بزرگ) دین را به جهان رواج دهد. فقر و تنگدستی را ریشه

کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و

هم کردار گرداند.<sup>۱</sup>

## ۲- منابع هندی

در کتاب «شاکمونی» که از سردمداران کافران هندو است و به عقیده پیروانش پیامبر و

صاحب کتاب آسمانی است، اشاره به وحدت دیانت در زمان آن پرچمدار روحانی

جهان نموده، گوید:

پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان، کشن (به لغت هندو نام پیامبر

اسلام (ص) است) بزرگوار تمام شود. وی کسی باشد که بر کوههای مشرق و مغرب

دنیا کم براند و فرمان کند و فرشتگان کارکنان او باشند ...

و نیز در کتاب «دید» که نزد هندوها از کتب آسمانی است، می‌گوید:

پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلایق باشد و نام

او «منشور»، باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود آورد ...

### ۳- زبور

شریدان منقطع خواهند شد، اما منتظران خداوند، وارث زمین خواهند شد. بعد از اندک

زمانی شریر نخواهد بود. در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهی بود. و اما حلیمان

وارث زین خواهند شد ... و میراث آنها خواهد بود تا ابد ...

### ۴- تورات

و نهالی از تنه - بستی - بیرون آمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت و روح

خدا بر او قرار خواهد گرفت. مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت

مظلومان زمین را به راستی حکم خواهد کرد.

### ۵- انجیل

کمرهای خود را بسته، راغهای خود را افروخته بدارید و شبها مانند کسانی باشید که

انتظار آقای خودشان را می‌کشد ... خوشا به حال آن غلامان که آقای آنها چون آیاد، ایشان را بیدار یابد ... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید، پسر انسان می‌آید.

### «منجی آخرالزمان از دیدگاه ادیان الهی»<sup>۱</sup>

دین زردتشت نخستین مذهبی است که در جهان از مسئله حیات عقبی و مسئله قیامت سخن بمیان آورده و مسئله آخرالزمان را به مفهوم کامل خود طرح کرده است. برحسب تعالیم آن پیامبر ایرانی چون روزی این جهان هستی به آخر برسد رستاخیز عالم واقع خواهد شد در آن روزها خوبیها و بدیها را شمار خواهند کرد و برای امتحان بدکاران و نیکوکاران آن جایگاهی پر از آتش و آهن گذاخته بوجود می‌آید و بدان و زشتکاران را در آنجا خواهند افکند. بدان و اشرار جاویدان در آنجا مدام به سوز و گداز عقاب می‌شوند لکن نیکان و ابرار آتش را گوارا و مهربان می‌یابند و آن عنصر سوزان بر پیکرانشان خوشتر و گواراتر از شیر می‌شود ولی از کتاب گاتها درست مفهوم نمی‌شود که آیا خود روان پلید نیز در آتش دوزخ ابدالآباد باقی خواهد ماند یا آنکه از آنجا بیرون آمده، بجایگاه دورغ خواهد رفت؟ اما شمار و اعمال و داوری بین کارهای

۱- تاریخ جامع ادیان ، تألیف جان بی ناس ، ترجمه علی اصغر حکمت ، صفحه ۴۶۳ .

زشت و نیکو از همان کتاب بطور مبهم چنین برمی آید که اندکی بعد از مرگ محاکمه آغاز می شود و سرنوشت روان او از آن پس معلوم خواهد شد تا آنکه روز رستخیز در آخرالزمان برپا شود. البته آیات گاتها در این باب بسیار مبهم و مجهول است و آنرا می توان چنین تفسیر کرد که هر روان خواه خوب یا بد در روز قیامت از فراز پل چینوت (صراط) یعنی « پل جداکننده » عبور می کند این پل بر روی دوزخ قرار دارد و یک جانب آن به دورازه بهشت منتهی می گردد.

در روی این پل نامه اعمال آن روح خوانده می شود و سراسر کارهای او را در دو کفه ترازو می گذارند که شاهین آن در دست اهورامزدا است اگر کفه حسنات بر کفه سیئات بچربد هر آینه آن روان بسوی بهشت می خرامد لکن اگر کفه سیئات فزونی گیرد او را به قعر دوزخ می افکنند نیکوکاران به هدایت زردتشت از آن پل سلامت و آسمانی می گذرند لکن بدکاران راهی و مفری جز فروافتادن به اعماق هاویه ندارند زردتشت می گوید که اراده هر آدمی تنها عامل تعیین سرنوشت نهایی اوست و بس. وی درباره شر ابدی چنینی گفته است:<sup>۱</sup>

« روان پاک یا نفس<sup>۲</sup> پلید انسان هنگامی که به پل جداکننده می رسد دچار شکنجه و

۱- تاریخ جامع ادیان ، تألیف جان بی ناس ، ترجمه علی اصغر حکمت ، صفحه ۴۶۳ .

۲ - نفس پلید یا دانا که به صورتهای گوناگون از قبیل مرکز اخلاق شخص طبیعت والا، خصوصیت، و بالاخره وجدان ترجمه شده است) و اگر معنی وجدان داشته باشد به این مفهوم است که روان پلید یا وجدان معذب بر سر پل صراط می رسد. -و)

عذاب خواهد گردید و در خانهٔ دوزخ زندانی خواهد بود.»

گمراهان خطاکار که در برابر وجدان خود محکوم به گناهند به پای خود بسوی سرنوشت خویش می‌روند.

برحسب گاتها دوزخ یا «خانهٔ دروغ» مکانی است که به نام «جایگاه ناخوشی» نامیده می‌شود در آنجاست که پندار ناپاک و اندیشه‌های نادرست جای دارد سرزمینی است که بویی گند از آن برمی‌خیزد و پر است از چرکی و پلیدی و از اعماق ظلمانی آن فریاد و شیون و ناله غم بگوش می‌رسد و هرکس در آنجا بیفتد یکه و تنها به شکنجه جاویدان معذب است. برخلاف راستکاران در آن سوی پل در خانه نعمات که به گفته گاتها بهشت برین است جای می‌گزینند و آن مکان «جایگاه خوشی» است و «سرزمین نغمه‌ها» و پندارهای پسندیده که آفتاب در آنجا هیچگاه غروب نمی‌کند و نیکوکاران در آنجا از برکات و طبیات روحانی برخوردارند و با یاران و همنشینان سعادت‌مند روزگار می‌گذرانند.

از سخنان زردتشت چنین مستفاد می‌شود که وی از روی دل و خلوص جان ایمان داشته است که دین بهی و آئین مزدا عاقبت پیروان و گروندگان بسیار خواهد داشت و سرانجام بر عامل شر و اهریمن چیره و کامیاب خواهد گردید و امیدوار بوده‌است که برخی از پیروان اهورامزدا مانند خود او بعدها برای نجات و رهبری فرزندان آدم

خواهند آمد وی نجات‌دهندگان آینده را سوشیانت<sup>۱</sup> نامیده است. با آنکه زردتشت شک نداشته است که اهورامزدا آخرالامر کامیاب و فیروز است مع ذلک می‌گوید مبادا این مردم که شاهد منازعه و جدال بین راستی و دروغ هستند راستی را فروهشته و دروغ را برمی‌گزینند.

این است خلاصه آئینی که در آن زردتشت تعالیم خود را برای نجات سعادت ابنای بشر بر روی دستور نبرد دو عامل خیر و شر بنیاد نهاده است.

### انتظار ظهور مسیحا<sup>۲</sup>

دورنمایی از این جهان نوین و ظهور مسیحا چنانکه در آثاردانیال و دیگر نویسندگان هم سلیقه او مسطور است عبارت است از بیان این معنی که در آخرالزمان حق تعالی جهان را دیگرگون خواهد فرمود و صلحا و ابرار از ظلمه و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور به پایان خواهد رسید و دوره مصائب و آلام مانند جنگ و ناامنی و پریشانی و بیم و گرسنگی و بیماری و حکمرانی سلاطین ظالم ستمکار - که از همه بدتر است - سپری خواهد شد و در لمحہ آخرین یک کرنای آسمانی به

۱ - پس از عهد زردتشت این مفهوم سرگذشتی تاریخی یافت که در آینده از آن سخن خواهیم گفت.  
 ۲-تاریخ جامع ادیان ، تألیف جان بی ناس ، ترجمه علی اصغر حکمت ، صفحه ۵۵۱.

صدا درمی آید و مسیحا سوار بر ابرها باخیل ملائکه در افق نمودار می شود آن موجود علوی که شباهت صوری به ابنای آدم دارد به « پسرانسان » و القاب دیگر مانند « مسیح » یا « فرزند منتخب داود » ملقب است و او را همه خلایق بعنوان « قاضی عادل و سلطان صلح » می دانند پس مردگان و اموات از گور برخاسته، با زندگان و احیاء گروه متقیان و ابرار گرداگرد مسیحا صفی واحد تشکیل می دهند این نویسندگان و مبشران مسیحا در آغاز ظهور وی را خاص قوم یهود می دانسته اند لیکن بعداً به پیروی از افکار زردتشتیات معاصر خود بشارت ظهور او را عام دانسته دایره ظهور و فرمانروایی او را شامل حال سراسر امم و اقوام انسانی قرار دادند و گفتند تمام صاحبان ارواح از خیر و شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت خواهند شد و در برابر مسیحا، خوبان و رستگاران از بدان و گناهکاران جدا می گردند اشرار را در آتش دوزخ قهر فرو می افکنند و صالحان و ابرار به بهشت جاویدان در جوار برکات خداوندگار قرار خواهند گرفت در بعضی کتب محل این سرمنزل سعادت و نعیم جاویدان در روی زمین، نخست در اورشلیم جدید خواهد بود ولی بعد از گذشت هزارسال قیامت برپا می شود آنگاه انسان را به فردوس اعلا خلد برین منتقل خواهند ساخت و آن جایگاهی است سبز و خرم و نزهتگاهی است فرحبخش و شادی افزا که انهار جاری و اشجار میوه دار بر نزهت و صفای آن افزوده است و آمرزیدگان با عشرت و مسرت، جاویدان



در آنجا به عیش و سرور مشغول و به سرودن نغمات و تسییح رب خود ابدالآباد سرگرم خواهند بود. باری اکثر یهود با این افکار امیدبخش روزگار را به سر برده انواع رنجها و شداید را تحمل کرده، در انتظار تحقق این مواعید نشسته بودند.

### مکاشفه<sup>۱</sup>

#### (رویدادهای آخر زمان)

«مکاشفه آخرین قسمت کتاب عهد جدید است. این قسمت از بسیاری لحاظ با قسمت‌های قبلی فرق دارد.

اکثر قسمت‌های مکاشفه به زبان سمبولیک و رمزی نوشته شده و دارای مفاهیم عمیقی است. لذا نباید آنرا مانند سایر کتب عهد جدید بطور تحت‌اللفظی معنی کرد. این کتاب در زمانی نوشته شده که مسیحیان سخت تحت شکنجه و آزار بودند لذا یوحنا مطالب خود را بطور رمزی بیان می‌کند تا دشمنان میسحیت آنرا نفهمند او از دنیای تازه‌ای سخن می‌گوید که در آن خداوند هر اشکی را از چشمان پاک خواهد کرد و به تمام غصه‌های خاتمه خواهد داد.

این کتاب از رویدادهای آینده پرده برمی‌دارد، رویدادهای که بزودی رخ خواهد داد خدا به مسیح اجازه داد تا این و قایع را در یک رؤیا بر خادم خود «یوحنا» آشکار سازد. آنگاه فرشته‌ای آمد و معنی آنرا برای او بازگو کرد یوحنا نیز تمام سخنان خدا و عیسی مسیح و هر آنچه را که خود دید و شنید به نگارش درآورد.

خوشا بحال کسی که این پیشگویی‌ها را برای دیگران بخواند و خوشا بحال آنان که به آن گوش فرا دهند زیرا زمان وقوع این رویدادها چندان دور نیست.

« از طرف یوحنا»

به هفت کلیسا در ایالت آسیا.

فیض و آرامش بر شما باد، از جانب پروردگاری که هست و بود و خواهد آمد و از جانب هفت روح هفتگانه خدا که در پیشگاه تخت الهی است. و از جانب عیسی مسیح که تمام حقیقت را بطور کامل بر ما آشکار می‌فرماید. مسیح نخستین کسی است که پس از مرگ زنده شد و هرگز نخواهد مرد و برتر از تمام پادشاهان این جهان است، سپاس و ستایش بر او که ما را محبت می‌نماید و با خون خود ما را شست و از گناهانمان ظاهر ساخت او ما را در ملکوت و سلطنت خود به مقام کاهن منصوب کرد تا خدا یعنی پدر او را خدمت نماییم پاینده باد عظمت و سلطنت او! آمین.

بنگرید! او سوار بر ابرها می آید هر چشمی او را خواهد دید حتی آنانی که به پهلوی او نیزه زدند او را خواهند دید و تمام قوم‌های جهان از شدت وحشت و اندوه خواهند گریست. بلی، آمین! بگذار چنین باشد خدا می فرماید: «من الف و یا هستمو من ابتدا و انتها هستم این را خداوندی می فرماید که صاحب تمام قدرتهاست و هست و بود و باز خواهد آمد.»<sup>۱</sup>

### کلمه خدا سوار بر اسب سفید<sup>۲</sup>

سپس دیدم که آسمان گشوده شد در آنجا اسبی سفید بود که سوارش «امین و حق» نام داشت، زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می کند. چشمان او مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاجهای او مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاجهای فراوانی قرار داشت بر پیشانی اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش معنی آن را می دانست. او جامه خون‌آلودی دربر داشت و لقبش «کلمه خدا بود» لشکرهای آسمانی که لباسهای کتان سفید و پاک برتن داشتند سوار بر اسبهای سفید بدنبال او می آمدند. از دهان او شمشیر تیزی بیرون می آمد تا با آن قومهای بی ایمان را سرکوب کند. او با عصای آهنین بر آنان حکمرانی خواهد نمود و با پایهای خود شراب خشم خدای توانا را در

۱- انجیل عیسی مسیح (ترجمه تفسیری) .

۲- کتاب مقدس (ترجمه تفسیری) شامل عهد عتیق و عهد جدید .

چرخشت خواهد فشرد. بر لباس و ران او نیز این لقب نوشته شده بود: «شاه شاهان و

سرور سروران.»

## نتیجه گیری :

برای تشکیل جامعه‌ای واحد، یک موضوع ضروری است و آن یک آئین و یک اعتقاد است. آئین‌ها و اعتقادهای گوناگون، بطور قطع، تفرقه و دوگانگی اجتماعی بوجود می‌آورد. و مانع وحدت و یگانگی مردم می‌گردد.

اگر برنامه ریزی‌های اجتماعی گرفته شده از طرز فکرها و مرام‌های گوناگون باشد، فعالیت‌های انسانی را در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... مختلف و متضاد می‌سازد و مانع یکسانی و یگانگی جامعه می‌گردد. بنابراین تنوع و گوناگونی راه‌ها و عقیده‌ها موجب اختلاف‌ها و تضادها و برخوردهایی در جامعه می‌شود، که در این شرایط نمی‌توان تشکیل جامعه‌ای واحد و یگانه را انتظار داشت. بنابراین، باید آئین و دین واحدی بر جامعه حاکم باشد، تا امت واحد به معنای واقعی بوجود آید.

در دوران ظهور و روزگار دولت امام مهدی(ع) آئین واحدی بر جهان حاکم می‌گردد و راه و روش‌ها نیز یکی می‌شود؛ و یگانگی واقعی در عقیده و مرام انسان‌ها پدید می‌آید؛ و مردمان همه یک دل و یک زبان به سوی سعادت حرکت می‌کنند. دیگر دوگانگی و تضاد در مرام‌ها و عقیده‌ها وجود ندارد، راه و روش‌ها یکی و هدف‌ها نیز یکی است. همچنان که در برنامه‌های زندگی اجتماعی نیز اختلافی دیده نمی‌شود.

امام مهدی(ع) با چنین اصلی اساسی در ساختن جامعه یگانه بشری به موفقیتی بزرگ

و چشمگیر دست می‌یابد، و همه علت‌ها و عوامل ناسازگاری و درگیری را از بین می‌برد، و ناسازگاری‌ها و اختلافات اجتماعی را که از اختلافات عقیدتی و دینی بوجود می‌آیند، نابود می‌سازد، و با یکی کردن عقیده‌ها و ایدئولوژی‌ها راه هرگونه اختلافی را می‌بندد. او وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می‌ریزد، و همه انسان‌ها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می‌آورد.

فهرست منابع و مراجع :

- ۱- نهج البلاغه
- ۲- تاریخ جامع ادیان ، تألیف جان بی ناس ، ترجمه علی اصغر حکمت ، چاپ اول ، انتشارات علمی و فرهنگی .
- ۳- منتقم حقیقی زندگانی صاحب الزمان - تألیف حسن عمارزاده - انتشارات محمودی.
- ۴- سیمای امام مهدی (عج) - مؤلف سیدمحمدرضا طباطبایی نسب - ناشر دبیرخانه دائمی اجلاس دوسالانه بررسی ابعاد وجودی حضرت مهدی - چاپ دوم .
- ۵- او می آید : داستان زندگی امام مهدی (عج) ، بازآفریده رضا شیرازی ، انتشارات پیام آزادی .
- ۶- امام مهدی و آینده زندگی - گردآوری مهدی حکیمی-انتشارات بنیاد فرهنگی .
- ۷- نهضت انتظار و انقلاب اسلامی - تألیف علی اصغر الهامی نیا - ناشر معاونت آموزش و نیروی مقاومت بسیج .
- ۸- انجیل عیسی مسیح (ترجمه تفسیری) .
- ۹- کتاب مقدس (ترجمه تفسیری) .